

## مقاله پژوهشی: نظریه پردازی؛ الگوی راهبردی دین در تولید امنیت فرهنگی

جمال شفیعی<sup>۱</sup>، محمد مولایی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۲۷

### چکیده

فرهنگ وجه ممیزه و مؤلفه اصلی قدرت ملی در عصر جدید بوده و اقتدار فرهنگی در نظام جمهوری اسلامی ایران برگرفته از اصول و مبانی فرهنگ اسلام که در واقع جهان بینی انقلاب اسلامی بود، می باشد. وظیفه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، چه آحاد مردم و چه مسئولان در همه سطوح، تربیت مردم بر اساس جهان بینی اسلامی و معنویت الهی آن می باشد. این تلاش زمینه ساز تشکیل «تمدن اسلامی» می باشد. طراز چنین انسانی، هم باعث تثبیت و تقویت نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران گردیده و هم باعث نفوذ و کارآمدی تصمیم سازان و تصمیم گیرندگان آن بوده و در عرصه بین المللی نیز قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران افزایش می یابد. از سویی دیگر با توجه به اینکه پیامبر گرامی اسلام<sup>(ص)</sup> به مدد آیات الهی وحی جان‌هایی را پروراند، تطهیر کرد و قلب‌هایی را سرشار از نور ساخت و به راه خدای شکست‌ناپذیر و ستوده راه داد؛ این سؤال اساسی مطرح می شود که کلام نورانی وحی با چه روشی، انسان‌ها را به بلندای تحول فرهنگی و همه‌جانبه فردی و اجتماعی رساند؟ روش این «تحول همه‌جانبه» چه بود؟ آیا امکان الگوپردازی از آن وجود دارد؟ پاسخ به این سؤال راه کشف بسیاری از تحولات فرهنگی در عرصه‌های کلان و راهبردی جامعه و پاسخگوی دغدغه تولید دانش اسلامی در حوزه‌های تربیت اسلامی، مدیریت، سیاست و ... در محضر نورانی کلام وحی خواهد بود. این تحقیق بر اساس هدف توسعه‌ای بوده و به دنبال توضیح اهمیت جایگاه نزول تدریجی قرآن در مدیریت تحول فرهنگی جامعه و شیوه استخراج اصول تحول همه‌جانبه از کلام نورانی وحی و تبیین رابطه آن با امنیت فرهنگی و تأثیر آن در استحکام ساخت درونی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران و تقویت و توسعه اقتدار ملی، به روش توصیفی - فرا تحلیلی می باشد.

**کلیدواژه‌ها:** امنیت فرهنگی، تحول فرهنگی، اقتدار فرهنگی، اقتدار ملی.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی
۲. دانشجوی دکتری مطالعات راهبردی امنیت ملی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی (نویسنده مسئول) molaie57@gmail.com

## مقدمه

نظام جمهوری اسلامی و ساختار فرهنگی برآمده از هویت و فرهنگ دینی - ملی ایران از ظرفیت‌های بنیادین در جهت توسعه و تعمیق اقتدار فرهنگی برخوردار است که بسیاری از مؤلفه‌های آن امروزه در سطح ملی و بین‌المللی توانسته است به‌عنوان یک گفتمان مقابل در برابر نظام فرهنگی و تمدنی اومانیسم و لیبرالیسم غربی مقاومت کرده و به‌عنوان یک الگوی مرجع مورد اقبال اجتماعی ملل و جوامع متعدد اسلامی قرار گیرد. فرصت‌های بی‌ظنیری در نتیجه تحولات معرفتی، رسانه‌ای، اجتماعی و فرهنگی و خلأهای موجود جهت پاسخگویی به نیازهای بشری در پیش‌روی نظام فرهنگی کشور قرار دارد که می‌توان با اتکا بر آن ضمن تعمیق خودباوری فرهنگی در سطح ملی، به نیازهای بشر امروز که خسته از ناکارآمدی‌های «ایست و ایزم‌های» برآمده از نظام گفتمانی لیبرال-سکولار غربی است، پاسخی کارآمد و شایسته بدهد.

جمهوری اسلامی ایران از ظرفیت‌ها، ذخایر، امکانات و قابلیت‌های مناسبی برخوردار است که در صورت برنامه‌ریزی مؤثر و ایجاد انسجام در سطح نهادها و ساختارها، اتخاذ الگوی راهبردی دقیق و متناسب می‌تواند به یک نظام فرهنگی کارآمد در سطح داخلی و در عرصه بین‌المللی حضوری مؤثر داشته و به نیازهای فرهنگی جامعه بشری پاسخی درخور داشته باشد. این شرایط بیانگر برخورداری کشور از مؤلفه‌هایی است که در قالب اقتدار فرهنگی تعریف می‌شود و از نفوذ، کارآمدی، جذابیت و اثربخشی مناسبی برخوردار است. بهره‌گیری از این ظرفیت بی‌بدیل که خود شاخصی از انقلاب اسلامی و مبانی معرفت دینی است به منزله اقتداری حقیقی است که هم هژمونی نظام سلطه در حوزه ایده، اندیشه، معرفت و گفتمان را مورد نقادی و تهاجم قرار می‌دهد و هم پاسخگوی حقیقی نیازهای انسانی امروز است. چنین شرایطی می‌تواند موقعیت برجسته‌ای را پدید آورد که با توجه به وجود مؤلفه‌های مشترک فرهنگی با جهان اسلام، هویت نوینی را در عرصه فرهنگی پدید آورد که به‌عنوان یک قطب و جریان مؤثر فرهنگی در سطح بین‌المللی مبدل شود. تحقق این امر مستلزم تمهید مقدمات و راهبردهایی است که هم در سطح داخلی و هم در سطح

بین‌المللی ضمن رفع نواقص و کاستی‌های جاری، بتواند از نگاه اثباتی، فرصت‌ها و قوت‌های جاری را به فعالیت و پویایی وادارد.

از طرف دیگر جامعه ایران یک جامعه دینی بوده و قرآن و عترت پیامبر<sup>(ص)</sup><sup>۱</sup>، معتبرترین منبع هدایت‌های فرهنگی جامعه می‌باشند. با توجه به معارف اسلامی می‌توان گفت چون هدف قرآن ایجاد تحول فرهنگی گسترده در مخاطبان خود بوده و این هدف نیز دارای زبانی تربیتی و نه آموزشی بود، لذا اقتضا کرد تا نزول قرآن، تدریجی باشد. نزول تدریجی قرآن فرصت داد تا مردم به‌طور عملی از نقطه‌هایی تاریک به سوی کانون نور و روشنایی حرکت کنند و در تمام مراحل از راهبری‌های قرآن بهره‌مند شوند. به همین جهت بررسی و مطالعه در آیات و سور قرآن، محققان و مسئولان فرهنگی کشور را در شناخت اصول تحول فرهنگی جامعه یاری خواهد کرد. اصول تحول فرهنگی، برخی ناظر به محتوا و برخی ناظر به روش است. همچنین «اصول تحول فرهنگی» به تنهایی برای شناخت راهکارهای ایجاد تحول فرهنگی راه‌گشا نیست، زیرا این اصول، فروع و لوازمی دارند که هر یک از آن‌ها به کار تربیتی و هدایتی می‌آیند و نیز گاهی ترکیب اصول موجب فراهم آمدن زمینه یک برنامه تربیت عملی می‌گردد.

همین‌طور برخی از اصول، مقدمه بیان اصول دیگر می‌باشند. فهم شیوه تحول قرآنی به کشف و استخراج تمام این‌ها بستگی دارد. وجود جریان‌های مخالف و تهدید آن‌ها و نیز چالش‌ها و سؤال‌هایی که بی‌توجهی به آن‌ها می‌توانست بحران‌آفرین باشد، همچنین بالا رفتن شایستگی‌ها و ظرفیت‌های مبلغ رسالات الهی و معمار جامعه اسلامی است که در کنار هر اصل تربیتی یا در مقابله با هر تهدید و جریان مخالف باید مورد نظر قرار گیرد.

بررسی ضرورت و اهمیت این تحقیق از دیدگاه حضرت امام خمینی<sup>(ره)</sup> و مقام معظم رهبری<sup>(مدظله‌العالی)</sup> نشان می‌دهد که حضرت امام<sup>(ره)</sup> مسائلی همچون هویت و موجودیت<sup>(صحیفه امام خمینی<sup>(ره)</sup>)</sup> ج ۱۵: ۲۴۴-۲۴۳، سعادت و شقاوت یک جامعه (همان، ج ۳: ۳۰۶) و

۱. «فَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّغْلِبِينَ كِتَابَ اللَّهِ وَ عَثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي فَتَمَسَّكُوا بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا» (هلالی، ۱۴۰۵، ق.

اساس استقلال یک ملت (همان، ج ۷: ۵۸-۵۷) را تابع فرهنگ ارزیابی کرده و از نگاه ایشان، رأس همه اصلاحات، اصلاح فرهنگ است (همان، ج ۱۰: ۳۵۶).

از دیدگاه مقام معظم رهبری<sup>(مدظله‌العالی)</sup> نیز فرهنگ؛ روح کالبد هر جامعه (بیانات در دیدار اعضای انجمن اهل قلم، ۱۳۸۱/۱۱/۷)، ستون فقرات حیات یک ملت (بیانات در جمع کارکنان سازمان صداوسیما، ۱۳۸۳/۲/۲۸)، بستر اصلی زندگی انسان (بیانات در دیدار وزیر علوم و رؤسای دانشگاه‌ها، ۱۳۸۳/۱۰/۱۷)، تضمین‌کننده آینده (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۳/۹/۲۹)، قوام یک کشور و ملیت یک ملت (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۵/۹/۲۰)، منشأ عمده تحولات یک ملت (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۳/۱۰/۸)، هویت یک ملت (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۹/۱۹) و ... می‌باشد.

در این تحقیق به دنبال پاسخ به این سؤال مهم هستیم که «الگوی راهبردی دین برای نیل به امنیت فرهنگی جامعه و اقتدار ملی در سطح جهانی کدام است؟ آیا می‌توان یک مکتب امنیتی با رویکرد دینی در میان سایر مکاتب امنیتی جهان ارائه و تعریف نمود؟».

فرضیه این تحقیق بر این است که اجزای متشکله دین (قرآن مجید، سنت، عقل و تجربیات اجتماعی) برای مهندسی فرهنگ جامعه، اصولی را ارائه داده است که به کمک آن و نیز علوم راهبردی در عرصه فرهنگ و امنیت، می‌توان به الگوی راهبردی «امنیت فرهنگی دین‌محور» مورد نظر دست یافت.

مفسر معاصر، آیت‌الله بهجت‌پور در آثار قرآنی خویش و به‌خصوص در «تفسیر همگام با وحی» رویکرد جدیدی از گام‌های کشف تحول قرآن و فرآیند تحول فرهنگی جامعه بر اساس تفسیر به ترتیب نزول قرآن ارائه نموده‌اند که با انضمام رویکرد جدید به تفسیر تنزیلی با عنوان «رویکرد راهبردی»<sup>۱</sup> می‌توان سایر مبانی و اصول تحول در تمام عرصه‌های راهبردی (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، محیط‌زیست، فناوری، امنیتی، دفاعی و ...) را در راستای تقویت پایه‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران تولید نمود. در این مقاله

۱. از ثمرات این مقاله می‌توان به ارائه رویکرد جدید در تفسیر قرآن مجید به نام «تفسیر راهبردی» اشاره نمود که در مقاله‌ای دیگر به اصول و مبانی رویکرد «تفسیر راهبردی» قرآن مجید اشاره خواهد شد. مؤلف

ضمن بیان و تحلیل ارتباط امنیت فرهنگی با امنیت ملی به نقش تفسیر تنزیلی در تقویت آن و تأثیر آن در استحکام ساخت قدرت درونی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، به روش توصیفی - فراتحلیلی اشاره خواهیم نمود.

## ادبیات و مبانی نظری تحقیق

### مفهوم‌شناسی

#### ۱. امنیت فرهنگی

بسیاری از کارشناسان معتقدند بحث از امنیت فرهنگی در ذیل موضوع امنیت ملی قرار دارد و یکی از مؤلفه‌های اصلی آن را تشکیل می‌دهد، اگر در قرون قبل دو عنصر نظامی‌گری و اقتصادی در تأمین امنیت کشورها در دو بعد داخلی و خارجی، نقش به‌سزایی ایفا می‌کردند، در قرن بیست و یکم ضروری است که بر مدخلیت بیشتر عنصر فرهنگ و اهمیت آن تأکید زیادتری ورزید (اخوان کاظمی، ۱۳۷۸: ۷۶)

از منظر اسلامی، امنیت فرهنگی به معنای از بین بردن کلی تنوع‌ها و تفاوت‌های موجود در بین افراد اجتماع در حوزه فرهنگی و یکسان‌سازی آن‌ها نیست. انسان‌ها، زبان، گویش، نژاد، هنر، سلیقه و بینش‌های متفاوت دارند و این تفاوت‌ها و اختلاف‌ها به نص صریح قرآن کریم (سوره مبارکه حجرات، آیه ۱۳) برای شناخت و شناساندن است و هیچ امتیاز و یا عدم مزیتی به شمار نمی‌آید و تنها امتیاز انسان‌ها در نزد خداوند، درجه تقوا و پرهیزکاری آن‌هاست. البته در هر نظام سیاسی لازم است که تفاوت‌ها به شکاف‌های عمیق تبدیل نشوند و این شکاف‌ها دائماً بایستی از حیث عمق و سطح به‌وسیله دولت‌ها واپایش شوند تا جامعه را دچار ازهم‌پاشیدگی ننماید. از سوی دیگر مقابله با تهاجم فرهنگی در تضمین امنیت فرهنگی بسیار مهم است که دارای سه صورت تحمیل فرهنگی، تخریب فرهنگی و تهدید فرهنگی است. برخی از صاحب‌نظران داخلی معتقدند که همه تلاش‌هایی که امروز به‌عنوان تهاجم فرهنگی در مقابله با تمدن و فرهنگ اسلامی صورت می‌پذیرد سعی می‌کند که به نحوی دین را از عرصه حیات انسان‌ها بیرون نماید یا اینکه ارزش‌ها و مقدسات را بی‌اعتبار کند و یا اینکه آرای فاسد خارجی را در درون آن وارد سازد (افتخاری، ۱۳۷۹: ۳۷-۳۴).

## ۲. تحول فرهنگی

«تحول فرهنگی»؛ تغییری همه جانبه در باورها، التزامها و رفتارهای فردی و اجتماعی است که باعث پدید آمدن شخصیتی جدید و هویتی نو در فرد و اجتماع شده و آن‌ها را از گذشته خود جدا می‌سازد، گستردگی این تغییر به تنوع و گستردگی ابعاد فرهنگ‌پذیری فرد و جامعه از یک سو و کمیت و کیفیت تفاوت فرهنگ جدید با باورها و رفتارهای گذشته (فرهنگ قدیم) از سوی دیگر و نیز با قدرتی که فرهنگ جدید در مقابله با چالش‌ها و موانع از خود نشان می‌دهد، ارتباط تمام دارد.

به لحاظ آنکه فرهنگ، تمایز انسان از جانداران را نشان می‌دهد و با توجه به آنکه انسانیت، ظرفیتی بسیار عظیم و نامتناهی دارد، اتصاف فرهنگ‌ها به اوصاف متعالی و منحنط، کامل یا ناقص، تک‌ساحتی یا تمام‌ساحتی، مدلل می‌گردد و تعامل فرهنگ‌ها یا تقابل آن‌ها و انتخاب یک فرهنگ و دست کشیدن از فرهنگی دیگر توجه می‌شود (بهجت‌پور، ۱۳۸۸: ۳۵).

## ۳. اقتدار فرهنگی

اقتدار فرهنگی عبارت است از برخورداری یک نظام فرهنگی از پایداری، نفوذ، ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل و توانایی اثربخشی در سطح ملی و فراملی که با پذیرش اجتماعی همراه بوده و بر یک هویت مستقل دینی-تاریخی و ملی اتکا دارد. لذا می‌توان گفت که اقتدار فرهنگی یک مفهوم چندوجهی، پیچیده و دارای ابعاد گسترده که تاکنون فضای مفهومی آن به‌درستی تعریف و تبیین نشده است، می‌باشد. اقتدار فرهنگی در حیطه مرزهای جغرافیایی محدود نبوده و دارای گستره فراتر از حوزه‌های جغرافیایی است؛ به‌ویژه این مفهوم در برخورد و رقابت با جریانات و نظام‌های گفتمانی رقیب موضوعیتی بنیادین دارد که باید زیرساخت‌ها و بنیان‌های آن تمهید و طراحی شود (خندق‌آبادی، ۱۳۹۳: ۷).

## ۴. اقتدار ملی

با توجه به ماهیت قدرت و استفاده گسترده‌ای که صاحبان قدرت از آن می‌کنند، در رویکرد ج.ا.ایران عبارت اقتدار ملی با مفهوم «قدرت مشروع» برای تأمین امنیت و دفاع از منافع و اهداف ملی مطرح است.

مقام معظم رهبری<sup>(مدظله‌العالی)</sup> درباره «اقتدار» می‌فرماید: «اقتدار ملی به معنی این است که یک ملت و مسئولان کشور جلوه‌های قدرت و توانایی و عزت خود را مشاهده کند و کارها را با سیاست‌های درست، با برنامه‌ریزی صحیح، با جدیت و پشتکار و با هماهنگی و انسجام کامل پیش برد» (۱۳۸۰/۱/۱).

سردار دکتر فیروزآبادی در تعریف اقتدار ملی بیان داشتند: اقتدار ملی به انتظار و کارکردی از قدرت ملی اطلاق می‌شود که بیشترین سطح تمکین و اطاعت‌پذیری از سیاست‌های کلی نظام و قوانین و مقررات را توأم با رضایت، همراه با اعتماد به منابع تولید قدرت ملی به همراه داشته باشد (توحیدی، ۱۳۹۳).

## مبانی نظری

### رابطه امنیت و فرهنگ

امنیت در عرصه فرهنگ به دو معنا تعبیر می‌شود: اول اینکه فرهنگ عامل ایجاد امنیت در سایر عرصه‌ها و ابعاد نظام اجتماعی است که در بعد روانی، اهمیت بسیار زیادی دارد؛ دوم اینکه امنیت فرهنگی، تابعی از امنیت اجتماعی، اقتصادی و... است. در هر دو معنا به واسطه نظام‌مند بودن اجتماع می‌توان این اصل را پذیرفت که نقش فرهنگ به دلیل درون‌زایی، منحصر به فرد است. احساس امنیت، به عنوان بُعد ادراکی و ذهنی از امنیت در عرصه‌های سخت و نرم، مقوله‌ای است که فرهنگ عامل مهمی در ایجاد آن است (طلایی و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۵).

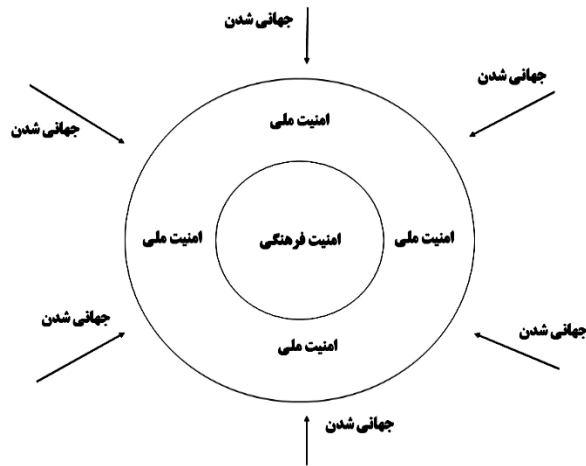
به رغم زیربنایی بودن نقش فرهنگ در تحولات جامعه در ابعاد گوناگون، می‌توان از تأثیر دوجانبه فرهنگ و سایر ابعاد جامعه، نظیر امنیت، سخن گفت. امنیت و فرهنگ رابطه‌ای دوجانبه دارند و هر یک از این مؤلفه‌ها متأثر از یکدیگر و بر هم تأثیرگذار هستند. از یک سو برخورداری از یک فرهنگ زنده و پویا مستلزم برقراری امنیت در جامعه است و لذا در جامعه‌ای که امنیت برقرار نباشد، شالوده جامعه دچار تزلزل و آشفتگی در تعاملات انسانی مانع شکل‌گیری هویت فرهنگی خواهد شد. از سوی دیگر در صورت عدم شکل‌گیری هنجارها، ارزش‌ها، آداب و رسوم رفتاری مشترک و به‌طور کلی فرهنگ، جامعه

دچار بحران معنا شده، تلقی مشترک از امنیت به وجود نمی‌آید و تعارضات معنایی اساس شکل‌گیری امنیت پایدار را متزلزل نموده و گسستن از فرهنگ بومی و قبول فرهنگ عاریتی معتقدان به آن را در تقابل با امنیت سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژی حاکم بر این جوامع قرار می‌دهد. این وضعیت در شرایطی محقق می‌شود که فرهنگ بومی از پویایی و غنای لازم برخوردار نبوده، فاقد قدرت مقاومت و ایستادگی در مقابل نفوذ فرهنگ بیگانه است. برعکس اگر تعاملات و روابط انسانی در فضایی مترقی جریان یافته، ظرفیت بالایی در درک متقابل افراد و گروه‌های اجتماعی ایجاد و در جامعه اشتراک معنایی خوبی ظهور یابد، این روند، هویت فرهنگی جامعه را از غنای خوبی برخوردار ساخته و در سایه این تعامل، امنیت مطلوبی نصیب جامعه خواهد شد که قوام هر یک به بالندگی دیگری کمک خواهد کرد (عیوضی، ۱۳۸۵: ۱۱۷).

### امنیت فرهنگی؛ هسته اولیه امنیت ملی

امنیت فرهنگی به عنوان هسته اصلی امنیت به خصوص امنیت ملی در جهان امروز شناخته می‌شود. عمده‌ترین تحولات اجتماعی با پیامدهای امنیت ملی معطوف به این هسته اصلی یعنی امنیت فرهنگی می‌باشد. از سویی نفوذ قدرت‌های بین‌المللی به منظور تأثیرگذاری بر ساختار امنیتی کشورها نفوذ در امنیت فرهنگی است. در واقع هسته مرکزی امنیتی که محور هدف محسوب می‌شود، امنیت فرهنگی است که تهدیدات امنیتی از سوی قدرت‌های مهاجم در جهان کنونی را تقویت می‌کند. سقوط امنیت فرهنگی به مثابه فروپاشی اشکال مختلف امنیت یک نظام از جمله امنیت و اقتدار ملی است. شکل زیر ترسیم نسبت امنیت فرهنگی با امنیت ملی را نشان می‌دهد (عیوضی، ۱۳۹۴: ۷۶).





شکل ۱ - نسبت امنیت فرهنگی با امنیت ملی

یکی از مهم ترین عوامل بقای یک فرهنگ، قدرت تطابق آن فرهنگ با محیط متغیر اجتماعی است. این تطابق باید به نحوی باشد تا در قالب یک سبک زندگی بومی، افراد برخوردار از یک فرهنگ بتوانند به راحتی با محیط بیرون تعامل برقرار کرده و نیازهای خود را برطرف سازند، بدون اینکه این احساس برای آن‌ها ایجاد شود که خارج از چهارچوب‌های فرهنگی خود عمل می‌کنند؛ افراد در صورت نبود این میزان از انعطاف و قدرت تطابق در یک فرهنگ به راحتی برای دستیابی به چهارچوب تعامل با محیط و یا سبک زندگی کارآمد در محیط جدید از چهارچوب فرهنگ ملی خود خارج می‌شوند؛ بنابراین فضای سیاست‌گذاری و سنجش در حوزه امنیت فرهنگی را می‌توان در دو لایه تعریف کرد:

**الف. لایه خارجی:** این لایه حوزه تعامل با فرهنگ‌های بیگانه و جریان‌های جهانی‌سازی فرهنگی است. مهم‌ترین خطر پیش‌روی در اینجا بیگانه شدن افراد با چهارچوب‌های ارزشی و الگوهای رفتاری پذیرفته شده در فرهنگ خود است که به تدریج به تضعیف اقتدار نهادهای سیاسی و اجتماعی جامعه منجر می‌شود. فرصتی که پیش‌روی فرهنگ وجود دارد آن است که با استفاده از جریان‌های تماس و اشاعه فرهنگی بتواند

انگیزه‌ها و محیط‌های لازم را برای نوآوری در محیط بومی خود ارتقاء دهد و بر پویایی و رونق فرهنگی خود بیفزاید.

ب. **لایه داخلی:** توجه به لایه داخلی بیشتر در مورد کشورهای صدق می‌کند که در مرزهای خود از تنوع قومی، زبانی، دینی و ... بالایی برخوردارند (آشنا و اسماعیلی، ۱۳۸۸: ۷۹).

### الگوی تحولات فرهنگی با امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران

محیط امروز محیطی پیچیده بوده و تغییرات بسیار سریع، شتابان و غیر قابل پیش‌بینی، شرط لاینفک جهان شمرده می‌شود لذا اگر فرجام تحولات بخواهد در جهت مطلوب پیش برود، می‌بایست بتواند خود را با این آهنگ تغییرات منطبق نموده و همگام سازد. بر این اساس لازم است از یک طرف به این اصل اساسی توجه نمود که تغییرات محیطی را شناسایی و پیش‌بینی نمود (تا حد امکان) و از سوی دیگر نحوه مدیریت تحولات را با یک سازوکار منعطف و انطباق‌پذیر تدوین نمود.

در خصوص انطباق‌پذیری الگو با تحولات، باید اذعان داشت که الگوی مورد نظر، می‌تواند فرهنگ و هویت را به وادی تمدن رهنمون نماید و هم‌زمان آهنگ شتابان تغییرات را در معادله پارادوکسینال ثبات و پویایی، هضم کند. در فرآیند وقوع تحول در عرصه فرهنگ، عوامل بسیاری با منشأ داخلی و خارجی نقش دارند که به عقیده صاحب‌نظران، عوامل خارجی نظیر جهانی‌شدن مهم‌ترین تأثیر را دارد و اهمیت آن از دو منظر قابل تأمل است. نخست آنکه مقوله تحولات فرهنگی امنیتی‌شده از طرف جهانی‌شدن (خواسته یا ناخواسته) تحت تأثیر قرار می‌گیرد، دوم آنکه برای پردازش امنیت ملی برای نهادینه‌سازی امنیت ملی و مصونیت‌بخشی آن با جهانی‌شدن روبه‌رو می‌شویم و از گذرگاه آن حرکت می‌کنیم، از این‌رو این یک رابطه دوسویه است که آثارش در عرصه امنیت ملی قابل رؤیت است. یک سوی آن از جهانی‌شدن به سوی امنیت ملی به واسطه تأثیرگذاری تحولات عصر جهانی‌شدن است. یکی هم از طریق امنیت ملی و حرکت‌هایی که برای حفظ و بقای آن انجام می‌شود که در این صورت عبور از گذرگاه جهانی‌شدن امری لاجرم محسوب

می‌شود، لذا جهانی شدن نقطه ورود و خروج امنیت ملی در ایران بوده و منشأ چالش‌ها، تهدیدها، بحران‌ها و فرصت‌ها برای امنیت فرهنگی ما محسوب می‌شود.

امنیت ملی یک پدیده بالقوه بوده و پدیده بالفعلی نیست که مراکز بتوانند آن را تولید نمایند، بلکه بالقوه است بدین معنا که طی فرآیندی ساخته می‌شود و بسیار هم انعطاف‌پذیر است و اثرگذاری آن بر سایر حوزه‌های اجتماعی دیگر محسوس می‌باشد. این مسئله رویکرد فرآیندی این پژوهش را تأیید می‌کند که باید با نگاه فرآیندمحور این مسئله را که از قوه به فعل می‌رسد و دیگر عناصر دخیل در آن را در تعامل با الگوی فرهنگی - دینی تحولات جامعه دید.

اما جهانی شدن برای ایجاد تحول فرهنگی، نیاز به تعریف فرآیندی دارد. به سخن دیگر امنیت ملی زمانی تحت تأثیر قرار می‌گیرد که دچار تحول بشود؛ اما تحول در درون امنیت ملی ذاتی نبوده و از بیرون امنیت ملی وارد می‌شود، لذا برای تحلیل امنیت ملی در حوزه چالش‌ها و مشتقات آن نیازمند به تعریفی از تحولات موجود در جامعه هستیم. مهم‌ترین عرصه تحولات، تحولات فرهنگی است؛ اما جهانی شدن برای به وجود آوردن تحولات فرهنگی نیاز به برپایی جنبش‌های اجتماعی دارد و بنابراین دومین ورودی، جنبش‌های جدید اجتماعی است، یعنی جهانی شدن از طریق جنبش‌های نوین، ظرفیت‌های تحول‌آفرینی را افزایش می‌دهد. پس جنبش‌ها از این حیث مهم بوده و بدون در نظر گرفتن آن‌ها راه ورود جهانی شدن به قلمروها و حوزه‌های فرهنگی و ... را می‌بندد. جنبش‌ها یک حرکت تغییرخواه محسوب می‌شوند اما برای ایجاد این تغییرات نیاز به شناسایی پیشران‌ها و عوامل تغییر داریم. با نگاهی به تعریف مفهومی جنبش‌های نوین اجتماعی و تجزیه و تحلیل عوامل کلیدی مؤثر بر آن می‌توان پیشران‌های مؤثر را شناسایی کرد؛ اما با توجه به اینکه موضوع این مقاله در حیطه بررسی تحولات امنیتی جمهوری اسلامی ایران است باید بین این موضوع و پیشران‌های حاصل از جنبش‌های نوین اجتماعی روابط معناداری وجود داشته باشد. مدرنیته، فمینیسم و رسانه‌های ارتباطی سه پیشران کلیدی جهانی شدن در عرصه تحولات اجتماعی می‌باشند. پیشران مدرنیته در ایران از جذابیت

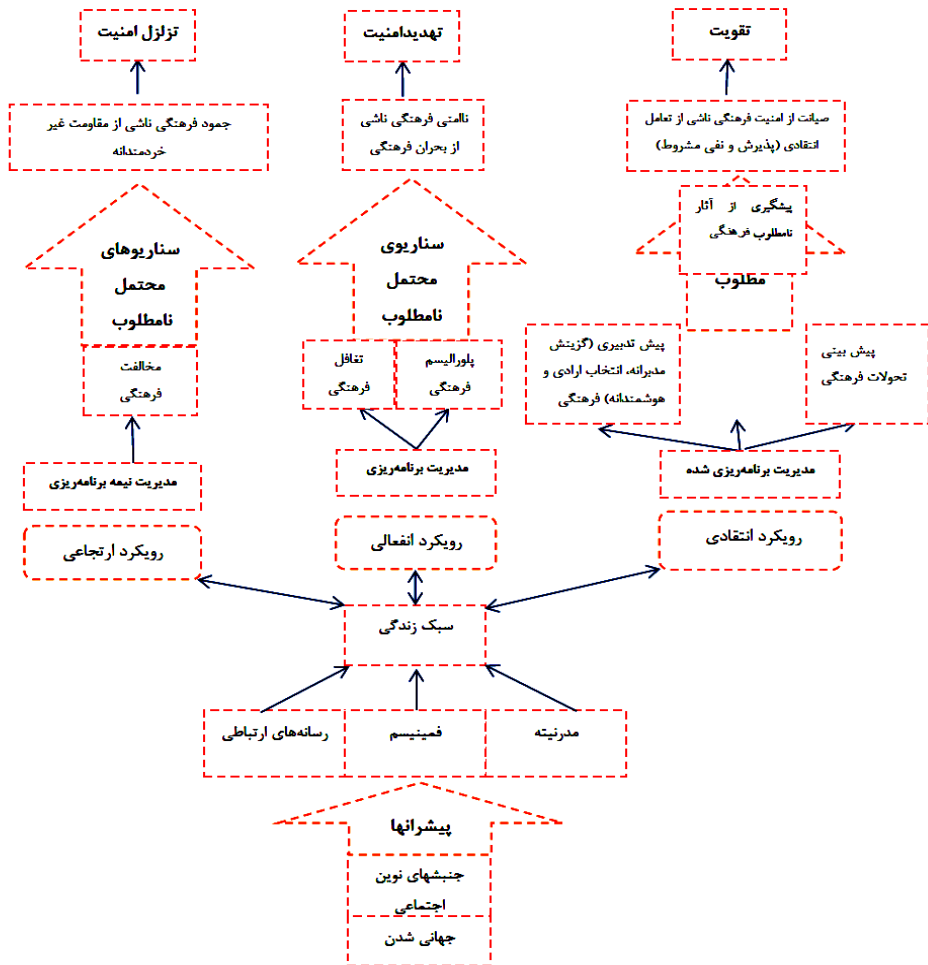
بالایی در بین روشنفکران برخوردار می‌باشد و تبدیل به رویکردی فرهنگی شده است. فمینیسم پیشران تحول‌ساز دیگر جهانی‌شدن می‌باشد که از عوامل مهم تهدید امنیت فرهنگی در جامعه ایران محسوب می‌شود و حداقل رویکرد تهدیدمحور این نگرش ایجاد چالش در نهادهای متولی تحولات در جامعه ایران می‌باشد و پیشران بعدی، رسانه‌های ارتباط در فضای حقیقی و مجازی است که موجب تولید محصولات فزاینده‌ای می‌گردد. محصولاتی که بر راهبردهای کلان اجتماعی ما و عناصر استحکام‌بخش به نظام فرهنگی جامعه اسلامی ایران تأثیر می‌گذارند. پیشران‌های مذکور، مرکز ثقل هدف‌گذاری‌شان در جامعه که مهم‌ترین نقطه استراتژیکی جامعه محسوب می‌شود، سبک زندگی است. سبک زندگی که به‌رغم نقش‌های بسیاری که در مناسبات کلان اجتماعی و آینده جامعه ایران بر عهده دارد، بر تبدیل فرهنگ و هویت هم آثار فزاینده و مهمی را بر جای می‌گذارد. سبک زندگی نقطه ثقلی است که نیاز به توجه و امعان نظر همه برنامه‌ریزی‌ها، راهبردهای حمایت و نظارتی دارد. قطعاً تبدیل تهدیدات سبک زندگی به آسیب، چشم‌انداز هویتی جامعه ایران را به مخاطره جدی می‌اندازد.

قلمرو مدیریت بر کارکرد پیشران‌ها در جامعه ایران راهکار اصلی تبدیل تهدید به فرصت و حفظ امنیت فرهنگی می‌باشد. بر اساس جایگاه مدیریت فرهنگی در حوزه مدیریت بر پیشران‌هایی که سبک زندگی را با چالش مواجه می‌نمایند می‌توان چشم‌انداز چهار سناریوی فرهنگی را برای آینده انقلاب اسلامی ترسیم نمود که در این چشم‌انداز مقوله مدیریتی نقش مهم و به‌سزایی را خواهد داشت. اگر فرآیند حضور پیشران‌ها در سبک زندگی و آثار طبیعی مخرب بر سبک زندگی ایرانی-اسلامی بدون حضور مدیریت فرهنگی مؤثر (خواهد آمد که مدل مدیریت فرهنگی - دینی بر اساس تفسیر تنزیلی یک مدل مدیریت فرهنگی مؤثر و متناسب با فرهنگ ایران اسلامی می‌باشد) در داخل کشور راه خود را پیش ببرد، چشم‌انداز فرهنگی ما یا همچنان تقابل فرهنگی است که امروزه به شکل تهدیدآوری در جامعه ما در سطوح مختلف مردم، نخبگان و در برخی از دولتمردان به چشم می‌خورد و یا در رودخانه پلورایسم فرهنگی غرق می‌گردد که باید جسم بی‌جان آن

را در گوشه و کنار رودخانه جستجو کرد و یا با مقاومت منعطف‌پذیر راه خود را طی خواهد کرد که به حاشیه راندن فرهنگ می‌انجامد و حیات بخشیدن به عرصه حرکت رودخانه‌ای هویتی متوقف می‌گردد و به برکه‌ای ناکارآمد تبدیل می‌شود؛ اما اگر یک حوزه مدیریت فرهنگی توانمندی به این مسئله نظارت داشته باشد، در چهار قلمرو مدیریت راهبردی فرهنگی، مدیریت آگاهانه و هوشیارانه بر سبک زندگی، مدیریت تعاملی انتقادی بر جنبش‌های اجتماعی و مدیریت قوی در بحران‌ها، تقویت تعاملات فرهنگی با جهان، چشم انداز سناریو در این فرایند خواهد بود.

بدیهی است ضعف در حوزه مدیریتی فرهنگ، جهانی‌شدن را از حیث یکسان‌سازی ارزش‌ها به تهدیدات امنیتی بدل می‌کند که این یکسان‌سازی، فرهنگ بومی را در انطباق با فرهنگ مسلط جهانی قرار می‌دهد و از آنجا که هسته اصلی فرهنگ در ایران، بر مبنای اعتقادات و ارزش‌های اسلامی رقم خورده است، این همانندی با فرهنگ غربی، به معنای تغییر در نظام ارزشی-مذهبی و هویت شریعت‌محور است که از نتایج مبرز آن ناامنی فرهنگی است. در صورت عدم شکل‌گیری هنجارها، ارزش‌ها، آداب و رسوم مشترک و به‌طورکلی فرهنگ دینی، جامعه ما دچار بحران معنا شده و تلقی مشترک از امنیت به وجود نمی‌آید و تعارضات معنایی اساس شکل‌گیری امنیت پایدار را متزلزل می‌نماید و با نفوذ فرهنگ بیگانه، امنیت فرهنگی که هدف اصلی دشمن می‌باشد به مخاطره می‌افتد. باید توجه داشت که امروزه فرهنگ، بنیاد امنیت و ماهیت آن را تشکیل می‌دهد. از این منظر تهدیدات امنیتی از طریق نفوذ فرهنگی امکان‌پذیر است. در موقعیت کنونی جوامع با افزایش نقش ابزارهای فرهنگی مانند رسانه‌ها در شکل‌دهی به ابعاد مختلف زندگی، طبیعتاً امنیت نیز هرچه بیشتر ماهیت فرهنگی پیدا کرده است. در این شرایط هرچه پایه اتکای امنیت ملی فرهنگ و شاخص‌های تضمین‌کننده آن مانند مشروعیت و ایدئولوژی کارآمد باشد، یقیناً امنیت جامعه پایدار خواهد بود. از این‌رو امنیت فرهنگی دین‌محور (بر اساس رویکرد تفسیر تنزیلی)، به مثابه مؤلفه اصلی امنیت ملی بر حفظ و مصونیت فرهنگی افراد جامعه از تهدیدات نسبت به ارزش‌های اساسی تلقی می‌شود و حالت امن حالتی است که فرهنگ

کشور ضمن در امان بودن از خطرهای دارای توان رشد و بالندگی باشد. به همین جهت نفوذ و تأثیر فرهنگ‌های ناهمخوان با فرهنگ بومی-دینی کشور، ضمن ایجاد شقوق مختلفی از گونه‌های تحول فرهنگی (انحطاط فرهنگی، تجزیه فرهنگی، استحاله فرهنگی و ...) موجبات تزلزل و بحران امنیت فرهنگی را فراهم خواهد آورد. در نتیجه هرگونه اختلال در امنیت فرهنگی، تأثیرات مستقیمی بر جای خواهد داشت؛ بنابراین با اتخاذ سیاست‌های مناسب مدیریتی در حوزه مدیریت فرهنگی به خصوص مدل مدیریت فرهنگی دین‌محور می‌توان به وضعیت امن فرهنگی و امنیت ملی دست یافت (عیوضی، ۱۳۹۴: ۱۵۸-۱۵۵).



شکل ۲ - الگوی ارتباط تحولات فرهنگی با امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران

پيامدها	دلایل و پيشران	واكنش مكاتب
رو آوردن به اصول غربی و ارزش‌های هنجارشکنانه غربی، این خود از رهگذر تغییرات فرهنگی که در جامعه بر اساس پیشرفت‌های نوظهور ایجاد شده شکل می‌گیرد	مشاهده روندهای جدید با تغییر در عقاید و ارزش‌های اصولی جامعه، تغییر در فرهنگ و فناوری و گسترش نوآوری‌ها در زمینه‌های مختلف	سکولاریسم فرهنگی
آثار مخربی بر پیکره سلامت اخلاقی و معنویت جامعه اسلامی ایران می‌گذارد. تغییرات ایجادشده در سبک زندگی افراد قابل مشاهده است	تغییر سبک زندگی و برخوردهای شهروندان در رخدادهای اجتماعی، تغییر در فرهنگ و فناوری و افزایش روزافزون تعداد رسانه‌های تأثیرگذار غربی	لیبرالیسم فرهنگی
از تعامل ویژگی‌های زمانی و مکانی و نیز تعامل با سنت‌ها و ارزش‌های فرهنگی یک جامعه خاص به‌نوعی گفتمان	تغییر در عقاید و ارزش‌های یک جامعه، تغییر در سبک زندگی افراد با توجه به تغییرات فرهنگی	مدرنیته فرهنگی
رو آوردن به سبک زندگی ایرانی-اسلامی، گسترش فناوری در حوزه فرهنگ، بومی کردن این مقوله در دل مسائل فرهنگ اسلامی و هماهنگی با عقاید و ارزش‌های اصیل ادیان توحیدی	تغییر در عقاید و ارزش‌های رخ داده در جامعه، تغییر در سبک زندگی، شیوه برخوردهای اجتماعی، تغییر در فرهنگ و فناوری و ظهور روزافزون فناوری‌های نوین	فرهنگ‌سازی دینی

شکل ۳- جدول پیامدهای مکاتب فرهنگی

### ضرورت توجه به مدیریت فرهنگی در تحولات فرهنگی

همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد، فرهنگ در نسبت با سایر اجزای جامعه، موقعیتی زیربنایی دارد، از این‌رو تحولات فرهنگی مشخص‌کننده سایر تحولات جامعه می‌باشد و مدیریت فرهنگی هم به جهت تضمین اعتلای فرهنگ و هم به جهت تضمین پویایی جامعه ضرورتی امکان‌ناپذیر به نظر می‌رسد و این مهم در عصر جهانی‌شدن اهمیتی مضاعف دارد. از جمله دلایل ضرورت مدیریت فرهنگی عبارت‌اند از:

رسیدن به فرهنگ متعالی، فلسفه وجودی رسالت و مأموریت اصلی نظام جمهوری اسلامی برخاسته از انقلابی بر اساس فرهنگ و ارزش‌های اسلامی می‌باشد. استقرار

ساختارها و سازوکارهای مناسب و مدیریت جامعه بر اساس فرهنگی خاص، موجبات بازتولید همان فرهنگ و توسعه و تعالی آن می‌شود. یکی از راهکارهای بنیادی در مدیریت فرهنگی جامعه، تعریف اهدافی متعالی برای آن است. در این صورت دشوارترین مرحله مدیریت فرهنگی جامعه، دستیابی به حداقلی از پذیرش عامه می‌باشد. بدون تردید این پذیرش تا حد زیادی در گرو میزان صداقت و درایت اقدام‌کنندگان عرصه مدیریت است (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۸: ۲۴۸).

**پیشرفت‌های خیره‌کننده فناوری اطلاعات و ارتباطات، توسعه روزافزون صنعت گردشگری، مهاجرت و ... از جمله عواملی است که روند جهانی شدن را با حرکتی اجتناب‌ناپذیر مواجه ساخته است.** امروزه معنا و مفهوم مرزهای جغرافیای محیط سیاسی کمرنگ گشته و مفهوم جدیدی تحت مرزهای فرهنگی پدید آمده که بر این اساس، انسان‌ها بر مبنای چهارچوب فکری‌شان از یکدیگر متمایز می‌گردند. از این رهگذر و در پرتو این تحولات روبه‌رشد، رویارویی و تعامل فرهنگ‌ها بیش از گذشته بایستی مورد توجه و مذاقه قرار گیرد (اصغری‌زاده و قاسمی، ۱۳۸۸: ۳۰).

در چنین شرایطی، کشورهایی که برای فرهنگ خود هدف و برنامه‌ای نداشته باشند، توسط فرهنگ‌های دیگر کنار گذاشته خواهند شد. حتی اگر معتقد باشیم فرهنگ‌های غالب در تعامل با دیگر فرهنگ‌ها و به‌صورت خودجوش سیطره خود را بر دیگر فرهنگ‌ها به دست آورده‌اند، باز هم جهت تداوم حیات فرهنگی جامعه خود نیاز به حمایت و پشتیبانی از فرهنگ داریم و این امر میسر نمی‌شود مگر از طریق مدیریت فرهنگی صحیح و کارآمد، به تعبیری دیگر، کشورهایی که برای فرهنگ خود برنامه‌ای نداشته باشند، خود مشمول برنامه‌ریزی‌های دیگران قرار خواهند گرفت و جزئی از آن خواهند شد (صالحی امیری و عظیمی دولت‌آبادی، ۱۳۸۷: ۷۶).

این بدان معناست که در صورت عدم تجهیز نظام مدیریت فرهنگی در جهت بازشناسی و مواجهه با تهدیدها و فرصت‌های پیش‌رو، ضمن حذف وجود ضعیف و ناکارآمد فرهنگ بومی، سایر اجزاء مفید و کارآمد آن نیز در کوره ذوب جهانی‌سازی فرهنگ‌ها از بین



خواهد رفت. این پدیده به از خود بیگانگی فرهنگی، از بین رفتن میراث ارزشی، هویت ملی و سرمایه‌های فرهنگی منجر خواهد شد (اصغری‌زاده و قاسمی، ۱۳۸۸: ۳۰).

در بحث مدیریت فرهنگی آنچه اهمیت دارد شناخت و توجه به عناصر فرهنگی جامعه می‌باشد. آنچه تاکنون در کشور ما رخ داده حاکی از این است که برای شناسایی و تقویت سنت‌ها، ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها، هنجارها و رفتارهای فرهنگی مناسبی برای توسعه تلاش سیستماتیک انجام نشده است. برای تدوین و ارائه الگوی فرهنگی مبتنی بر ارزش‌ها، باورها و هنجارها باید ابتدا عناصر فرهنگی جامعه را شناخت. این عوامل شامل ارزش‌های مطلق، ارزش‌های اسطوره‌ای، ابداع، نوآوری و خلاقیت، تغییرپذیری و اهمیت به کار و فعالیت و روحیه تلاش، انتقادپذیری، روحیه کار گروهی، نظم‌پذیری، انگیزه پیشرفت و ... می‌باشد؛ بنابراین تلاش در جهت اصلاح باورهای غلط فرهنگی وظیفه تمامی مردم و نهادهای فرهنگی است و مدیریت فرهنگی که مدیریتی پویا و آینده‌نگر است، با نگرش کلان خود عامل زمان و مکان را در رویکرد خود حذف می‌کند لذا ضرورت پرداختن به امر برنامه‌ریزی فرهنگی مطرح می‌باشد. در این نگرش برنامه‌ریزی فرهنگی به معنی تعیین اولویت‌بندی و طراحی سیاست‌های عمومی است که باعث تقویت وحدت و انسجام ملی شده، هویت ملی و فرهنگی شهروندان را تقویت و تثبیت می‌کند (مویدنیا، ۱۳۸۵: ۳۰).

تغییرات فرهنگی در یک جامعه حاصل تغییرات فکری، ذهنی و رفتاری همه عناصر انسانی در یک جامعه و مبادلات فرهنگی، فکری و علمی، تکنولوژی سایر جوامع است و حال اگر به هر دلیلی وجود و تداوم باورهایی برای ادامه حیات هدفمند یک جامعه ضرورت داشته باشد، مطلقاً باید همه عناصر انسانی یک جامعه در هر موقعیتی در حفظ نظام و تداوم آن باورها حساس شوند.

تحقق امنیت فرهنگی از دیگر دلایل ضرورت مدیریت فرهنگی است. زمانی که امنیت را بستر رشد، بالندگی و شکوفایی فرهنگ بدانیم و فرهنگ را نیز بستر کمال، تعالی و خوشبختی انسان به شمار آوریم تا اندازه زیادی به ارزش امنیت فرهنگی پی برده‌ایم. چراکه بذر ارزشمند فرهنگ در زمین شوره‌زار ناامنی هرگز نمی‌روید و به برگ و بار

نمی‌نشیند لذا اگر امنیت جنبه مقدماتی برای فرهنگ داشته باشد، از مقدمات واجب به شمار می‌رود (رحمانی، ۱۳۹۰: ۳۹).

### رابطه امنیت و فرهنگ دینی

امنیت از منظر قرآن کریم دارای دو بعد امنیت دنیایی و امنیت اخروی است. امنیت در زندگی اخروی، بر مبنای ارزش‌های ناظر بر کمال و سعادت ابدی و ضرورت توجه به بعد متعالی وجود انسانی که ضرورتاً موضوع ایمان دینی است، به دست خواهد آمد. امنیت قرآنی بر پایه ارزش‌های اخلاقی دوگانه متعالی و دنیوی که هرکدام ناظر بر بعد متعالی و دنیوی هستی انسانی هستند مورد داوری و سنجش قرار می‌گیرد. ارزش‌های اخلاقی - سیاسی متعالی، ملهم از بعد متعالی وجود انسانی و مبتنی بر اصل اعتقادی کرامت انسان، به‌عنوان خلیفه خداوند بر روی زمین است که اهدافی چون تعالی معنوی، کمال اخلاقی و در نهایت سعادت ابدی انسان را پی‌جویی می‌کنند. منبع و منشأ صدور این دسته از ارزش‌ها و راه کسب شناخت انسان از آن‌ها، ضرورتاً وحی است که به‌صورت موضوع ایمان تعریف می‌شود (تقی‌لو و آدمی، ۱۳۸۹: ۵۴ و ۵۸).

مفهوم امنیت در اسلام با مفهوم ایمان رابطه تنگاتنگ دارد و ایمان هم پایه امنیت و هم هدف آن برشمرده شده است. قرآن کریم و روایات بیانگر این مسئله هستند که هرگونه امنیت و در هر بعدی از آن در نهایت ریشه در ایمان و اعتقادات معنوی دارد و هرگونه ناامنی در هر عرصه‌ای ریشه‌اش به بی‌ایمانی برمی‌گردد، اسلام امنیت را شرط حرکت عظیم اجتماعی برای یک ملت و زمینه ساز پیشرفت‌های مادی و معنوی می‌داند و آن را سلامتی و مصونیت از هر تهدیدی چه مادی و معنوی برمی‌شمارد. لذا امنیت قلمرو وسیعی در گفتمان اسلام دارد و جایگاه ویژه‌ای را داراست (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۰).

اما فرهنگ در این گفتمان به دلیل در برداشتن هنجارها و ارزش‌ها، مفهومی است متعالی و نقشی برجسته دارد و در نظام جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان زیربنا شناخته شده است. از منظر اسلام، فرهنگ بایستی در مسیر تکامل و تعالی قرار گیرد و زمانی انسانی تر

است که معنوی تر و عالی تر باشد و انسان با بهره‌گیری از بایدها و نبایدهای آن به سمت حیات معقول متعالی حرکت داده شود. ارتباط دو عنصر امنیت و فرهنگ نیز برگرفته از دیدگاه دینی ماست. امنیت‌سازی در وهله اول نیازمند توجه به فرهنگ است. چراکه فرهنگ زیربنای جامعه بشری است و چنانچه زیربنا از استحکام برخوردار نباشد منجر به سقوط روبنا خواهد شد (محرمی، ۱۳۹۷).

### نقش قرآن در ارتقاء امنیت فرهنگی جامعه

در کشور ایران، منبع اصلی ارتزاق فرهنگ، آموزه‌های مذهبی و شرعی مبتنی بر هویت اسلامی است که مبنای تشخیص مصالح از مفاسد به شمار می‌آید. از این رو هرگونه تغییر در نظام ارزشی - مذهبی و هویت شریعت‌محور، به معنای ناامنی فرهنگی تلقی می‌شود، چراکه ظرفیت و توان جامعه را در حفظ بنیان‌های هویتی خود به چالش می‌کشد.

در فضای ناامنی فرهنگی، روایت جامعه‌پذیری و درونی‌سازی ارزش‌ها و هنجارها که تعیین‌کننده بایدها و نبایدهای ایستاری و رفتارهای جامعه است، دچار ناپیوستگی می‌شود. هرگونه شکاف ارزشی - هنجاری میان حال و گذشته، بایدها و نبایدهای متفاوتی را فرا روی نسل‌های مختلف قرار می‌دهد و گسلی ژرف را میان آن‌ها موجب می‌شود. این فرآیند، نظام سیاسی اسلامی را در جهت تعین بخشیدن به یکی از کارویژه‌های خود که فرهنگ‌سازی بر محور مذهب است با دشواری‌های فراوانی مواجه می‌سازد. نتیجه آنکه، با دگرگونی فرآیندهای باورپذیری جامعه، کاهش ضریب همبستگی اجتماعی - فرهنگی به گزینه‌های متصور و محتمل تبدیل می‌گردند، چراکه تهدیدات حاصله را ناشی از فرهنگ مذهبی است، دچار تغییر و دگرگونی ناخواسته می‌کند (سلیمانی، ۱۳۹۲: ۲۲۵).

در فرهنگ قرآنی، امنیت مفهومی وسیع، متوازن و عمیق دارد و شامل تمامی ابعاد زندگی و حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، داخلی و خارجی می‌شود و بر الگویی از امنیت تأکید می‌شود که با اقتدار، انسجام، وحدت، ارتباط جامعه اسلامی و استحکام درونی جامعه پیوند دارد و شرط امنیت ملی را در بعد امنیت خارجی و استحکام

درونی امت اسلامی می‌داند و هرگونه دغدغه، نگرانی و ناامنی در یک بعد را مؤثر در ابعاد دیگر می‌شمارد و هرگونه قوت و قدرت در یک حوزه را منشأ قدرت و اقتدار در حوزه‌های دیگر می‌داند (دری نجف‌آبادی، ۱۳۷۹: ۲۸۳).

بنابراین مقوله امنیت در اسلام، پدیده‌ای تک بعدی نیست و مواردی متنوع را در خود جای داده است. ابعاد مختلف امنیت از منظر قرآن کریم عبارت‌اند از: امنیت فردی (قرآن کریم برای حفظ امنیت فردی انسان‌ها در حوزه امنیت جانی، حیثیتی، عقیده و امنیت روح و روان، حساسیت زیادی نشان داده و برای حفظ آن، راهکارهایی را ارائه کرده است)، امنیت اجتماعی (شامل یگانگی و یکدلی، خوش‌بینی، عدالت اجتماعی)، امنیت فرهنگی (دربیرگیرنده خودباوری فرهنگی، همسان‌سازی فرهنگی، حق‌محوری، شناخت فرهنگ‌های مختلف)، امنیت اقتصادی و امنیت سیاسی که شامل امنیت داخلی و امنیت خارجی است (وطن‌دوست، ۱۳۸۶: ۱۱۳-۱۰۲).

خداوند متعال، رفاه و شکوفایی اقتصادی را نیز تابع برقراری امنیت و صلح می‌داند و می‌فرماید: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ؛ وَخَلَا شَهْرِي رَامِثًا زِدَّةً مِنْهَا وَأَمَانَ وَاتِّقَاءً» (سوره بقره، آیه ۱۱۲)؛ در جایی دیگر می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ» و چون ابراهیم گفت پروردگارا این [سرزمین] را شهری امن گردان و مردمش را هرکس از آنان که به خدا و روز بازپسین ایمان بیاورد از فرآورده‌ها روزی ببخش، فرمود ...» (بقره، آیه ۱۲۶).

بنابراین، جامعه‌ای که اسلام ترسیم می‌کند، جامعه‌ای است بهره‌مند از امنیت و در آن، عبادت خدا و دوری از طاغوت محسوس است. اسلام، یک ایدئولوژی نظام‌مند و شفاف است و اصول اخلاقی و جهان‌بینی معینی در خصوص عدالت سیاسی و اجتماعی دارد. به‌طور بالقوه، جاذبه و کشش اسلام، جهانی است، چراکه از نظر این دین، تمامی انسان‌ها برابرند (مردن، ۱۳۷۹: ۱۲۴).

بنابراین می‌توان گفت که نزول قرآن تنها به منظور آموزش مجموعه‌ای از معارف و بیان دستورهای الهی نبود، بلکه با انگیزه تربیت و تغییر و تحول مثبت مخاطبان انجام گرفت. به عبارت بهتر؛ قرآن از سوی پروردگار، با انگیزه تربیت نازل شد و آموزش مقدمه آن بود. زبان آموزش قرآن، تربیت‌مدار بود، تعلیم داد تا رشد دهد و تغییری محسوس و تدریجی را در مخاطبان خود ایجاد کند. نزول بسیاری از آیات در پی حادثه‌ها، ورود به چالش‌ها با اصحاب عقاید، راهبری اجتماعی و تدریجی مسلمانان تا تشکیل حکومت و آسیب‌شناسی مسائل حکومت دینی نشان از انگیزه‌ای تربیتی دارد که در نزول قرآن مورد توجه خدای حکیم بوده است و این انگیزه تنها در صورت «نزول تدریجی» تأمین می‌شد و با لحاظ این حکمت، نزول تدریجی قرآن به وقوع پیوست: «وَقُرْءَانًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَىٰ مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا» (اسراء/۱۰۶). قرآن، بخش بخش و در قالب سوره‌ها و آیات در مقاطع مختلف زمانی و متناسب با شرایط، پیشامدها و پرسش‌ها بر مردم خوانده شد. تلاوت تدریجی آیات هم که تابعی از نزول تدریجی قرآن بود، انگیزه تربیتی قرآن را به خوبی تأمین کرد.

«تربیت»، امری آئی و دفعی نیست و در یک جا و یک لحظه حاصل نمی‌شود، بلکه امری تدریجی و مشمول گذر زمان است و این، نیازمند فهم و دریافت معارف و مطالب در مرحله اول و به کار بستن آن‌ها در مرحله دوم و سپس آمادگی روحی برای آموزش مراتب بالاتر دانش و پس از آن، به کار بستن آن می‌باشد. در مورد تربیت قرآنی و اسلامی دقیقاً این موضوع صدق می‌کند، مثلاً پذیرش معاد یا رسالت پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> ریشه در پذیرش توحید دارد و تا حقیقت توحید مورد قبول واقع نشود، نوبت به بیان مباحث مربوط به معاد نمی‌رسد و طرح آن بی‌فایده است. به علاوه، تذکر یک نکته معرفتی در شرایط خاص و یا به دنبال شبهه و سؤال، در جایگیر شدن آن بسیار مؤثر است. برخی از معارف نیز محصول عمل کردن به برخی از آموزه‌های قبل و بلوغ روحی جدید است؛ مثلاً تا انسان به مقام صبر نرسد، برخی آیات را درک نمی‌کند: «وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» (ابراهیم<sup>ع</sup>/۵)، «إِنْ يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» (شوری/۳۳).

ملاحظه می‌شود که درک و فهم آیت بودن موارد مذکور در آیات، مرتبط با رسیدن انسان به مرتبه صبر و شکر دانسته شده است. از این موارد زیاد است؛ بنابراین «لازمه جدایی ناپذیر تلاوت با درنگ آیات، آن است که چون آیات در طول زمان و به تدریج بر مردم تلاوت می‌شود، فهم معارف قرآنی، پذیرش مردم نسبت به فرهنگ قرآن و اثرگذاری قرآن بر مردم در بعد فکری، روحی و عملی، بیشتر و بهتر صورت می‌گیرد و فرهنگ‌پذیری و درونی کردن آن بینش‌ها و مقررات و نهادینه شدن آن در جامعه به خوبی تحقق می‌یابد، علاوه بر این، هم‌زمانی تلاوت آیات با شرایط زمانی و مکانی و رخدادهای اجتماعی و فردی متناسب با مفاد آیات نازل‌شده، فهم بهتر آیات و اثرپذیری کامل‌تر از آن را دوچندان می‌کند، از جهت سوم به لحاظ صفا و پالودگی روحی و تکامل نفسانی که در پرتو عمل به برخی دستورها و مقررات قرآن و فهم و پذیرش برخی معارف آن فراهم می‌آید، آمادگی لازم برای پذیرش و عمل به دستورهای بعدی که سنگین‌تر و نیازمند ایثار بیشتر و تلاش افزون‌تر است، پیدا می‌شود و استعداد لازم برای یافتن و هضم معارف متعالی‌تر که در آیات بعدی آمده است، حاصل می‌شود و در یک جمله: تلاوت با درنگ آیات، تأمین‌کننده شرایط لازم و کافی برای تحقق اهداف نزول است» (مصباح یزدی، ۱۳۷۶: ۹۹ - ۹۸).

### مهندسی تحول فرهنگی جامعه بر اساس تفسیر قرآن به ترتیب تنزیل

ریشه مشروعیت این سبک تفسیری (تفسیر به سبک ترتیب تنزیل) را باید در نزول قرآن بر همین منوال و آموزش و تعلیم مفادش توسط پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> جستجو کرد. قرآن قطعاً به‌طور تدریجی و در ترتیبی غیر از ترتیب فعلی مصحف نازل شد. پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> نیز به تناسب نزول هر دسته از آیات، معانی و مرادهای آن‌ها را به صحابه تعلیم می‌فرمود. بدیهی است وقتی سوره‌های بقره و آل عمران و نساء، سوره‌های مدنی هستند که اولین آن‌ها حداقل ۱۴ سال پس از بعثت نازل شده است و پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> حداقل ۸۶ سوره قبل از این سوره‌ها را بر مردم خوانده و شرح و تفسیر کرده و نکات علمی و عملی آن‌ها را به مردم

تعلیم داده؛ بنابراین در مشروعیت این سبک جای هیچ‌گونه دغدغه‌ای نیست و این دیگر سبک‌ها هستند که باید دلایل مشروعیت خود را عرضه نمایند.

ویژگی مصحف امیرالمؤمنین علی<sup>(ع)</sup> که بر اساس محتاطانه‌ترین تحلیل در چینش آیاتش دخل و تصرفی صورت نگرفته، اما زمان، محل، مورد نزول، عام و خاص، ناسخ و منسوخ و تنزیل و تأویل آیاتش شرح و توضیح داده شده بود، نشان از آن دارد که تفسیر آیات با نگاه به زمان و مکان نزول آیات، امری پسندیده است. تفسیر به ترتیب زمان نزول تنها یک سبک برای فهم بهتر قرآن و در راستای شناخت روش‌های ایجاد تحول همه‌جانبه فردی و اجتماعی است و مجوزی برای تغییر در مصحف رسمی نیست (بهجت‌پور، ۱۳۸۸: ۱۵۶).

روشن است که مخاطبان اولیه قرآن در ۲۳ سال نزول آیات، در غالب موارد، گروه‌های هدف نزول آیات بوده‌اند، اما پیام‌های جاودانه قرآن به این اشخاص و گروه‌ها محدود نمی‌شود و افراد و گروه‌های بعد نیز به دلیل انجام اعمال مشابه آنان، مشمول آیات، پیام‌ها و داوری‌های قرآن می‌گردند. در روایات ما از این جریان و انطباق به «تأویل» تعبیر می‌شود.

همان‌گونه که پیام یک آیه و سوره بر اقوام و گروه‌های دیگر قابل انطباق است، نظام و روش‌های تحول نیز قابل انطباق می‌باشند، لکن در تطبیق سیر تحول نظام‌مند قرآن بر زمان‌های بعد، باید ظرفیت‌ها و مناسبت‌هایی را که موجب نزول آیات شده، به‌خوبی شناخت و نیز بر ویژگی‌ها و خصوصیات روحی و اجتماعی و واقعیت‌های خارجی فرد و جامعه موضوع تطبیق، واقع شد تا انطباق به‌درستی صورت گیرد (همان).

نگاه ترتیب نزولی به آیات و سوره‌های قرآن علاوه بر آنکه ما را در فهم «روش ایجاد تحول فرهنگی» مساعدت می‌کند، در فهم محتوای قرآن نیز یاری خواهد نمود. حقیقت این سبک، همگامی مفسر با جریان وحی است. مفسر در این سبک اساس فهم خود را بر همراهی با پدیده وحی تدریجی قرآن، آن‌گونه که نازل شده قرار می‌دهد. او می‌کوشد تا روابط درونی بخش‌های یک آیه و سیاق آیات را در یک سوره با توجه به زمان و شرایط محیطی و اجتماعی نزول هر سوره یا مجموعه آیات نازل‌شده، شناسایی کند و آنگاه به

کشف روابط و نظام معرفتی و هدایتی سوره‌ها در طول ۲۳ سال نزول تدریجی قرآن پردازد.

مفسر در این سبک تفسیری سعی دارد تا گام‌های منظم و منسجم تحول فردی و اجتماعی جامعه را در سیر هدایتی و ترتیبی سوره‌ها و آیات درک کند و منطق و ضابطه آن‌ها را به‌عنوان یک روش قابل تکرار در فرصت‌های مشابه استخراج نماید.

مفسر در این سبک تفسیری به دنبال فهم دقیق‌تر و عمیق‌تر روش تبلیغ دین در کلام الهی است. اسلوب نزول تدریجی آیات قرآن که ترکیبی از عقاید، اخلاقیات و دستورها بود و موجب رشد و شکوفایی کمالات فردی و اجتماعی انسان شد، علاوه بر محتوای بلند و الایی که به ارمغان آورد، نظام و شیوه خاصی را در ترتیب و تحول پدید آورد که شناخت آن به کارآمد کردن بسیاری از مفاهیم قرآن کمک می‌کند. به‌طور مثال اگر مفاهیمی همچون جهاد، اطاعت از ولی امر، ارث، خمس و انفاق در اولین سوره‌های قرآن می‌آمد، آن تأثیر بایسته و لازم را بر مخاطب نمی‌گذاشت. همچنین توجیه ضرورت عمل به دستورهای نظیر حرمت شرب خمر، ربا، قمار و خوردن گوشت خوک و کشته‌شده‌های برای بت‌ها و نظایر آن، تابع معارف و دستورهایی بود که زمینه پذیرش آن‌ها در طول سالیان دراز در جان مسلمانان ریشه دوانده بود. کشف روابط میان این مفاهیم و نسبتی که با همدیگر دارند و به دست آوردن روش نظام‌مند و متقن جهت تبلیغ محتوای دین، از طریق مطالعه و تدبر در ترتیب زمان نزول سوره‌ها و آیات ممکن می‌شود. در سبک تفسیر قرآن بر اساس ترتیب نزول، تلاش می‌شود تا علت و چگونگی تعلیمات تدوین‌یافته دینی که به کار تربیت افراد و جامعه اسلامی مربوط است، شناخته شود و مفسر به فهم سیاقی و نظام‌مند مجموعه آیات نازل‌شده در طول ۲۳ سال رسالت پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> دست یابد (همان: ۷۹).

بی‌تردید در میان منابع اسامی، قرآن نقش محوری را داشته و دیگر منابع اسلامی به دنبال او و پس از او قرار دارند. حدیث متواتر ثقلین از رسول اکرم<sup>(ص)</sup> که فرمود «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی» و در آن قرآن ثقل اکبر و عترت ثقل اصغر شمرده شده است و احادیث ضرورت عرضه روایات معصومان<sup>(ع)</sup> به قرآن و اینکه روایت نباید مخالف



با قرآن باشد<sup>۱</sup> و سند درستی روایات منقول از معصومان<sup>(ع)</sup>، همگامی و هماهنگی آن‌ها با قرآن است. حدیث «لاتقبلوا علينا ما خالف قول ربنا»<sup>۲</sup>، نشان از اصالت و تقدم قرآن در طراحی الگوی استخراج شده از دین دارد و منابع دیگر از جمله احادیث روایت شده از پیامبر و معصومان<sup>(ع)</sup> تابعی از آن می‌باشند.

نکته دیگر، ضرورت توجه به نزول تدریجی قرآن است. هرچند قرآن مجموعه‌ای فراهم آمده در ۶۲۳۶ آیه و ۱۱۴ سوره است، اما بی‌تردید نزول آن در طول ۲۰ یا ۲۳ سال دعوت پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> صورت پذیرفت. نزول تدریجی قرآن به دلیل آن بود که قرآن، متضمن شیوه‌هایی برای تغییر و تحول جامعه هدف است. مفهوم آیات ۱۶-۱۹ سوره مبارکه قیامت، اهمیت خلوص محتوا و خلوص روش در بیان مضامین و محتوای نازل شده بر پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> را نشان می‌دهد و اینکه هدف از نزول قرآن و محتوای بلند آن و حتی بیاناتی که در چهارچوب سنت و در راستای نزول قرآن در اختیار پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> قرار می‌گیرد (با توجه به محتوای نحل/ ۳۴) جز در پرتو تبعیت کامل و خالص پیامبر<sup>(ص)</sup> از محتوا و روش حاصل نمی‌شود.

بنابراین ابتدا باید روش‌های تغییر و تحول فرهنگی و نهادینه کردن آن‌ها را از قرآن استخراج کنیم. سپس روایات را به دنبال آن‌ها منظم کنیم، در مرحله سوم به تطبیق آیات قرآن بر کلیت جامعه ایرانی پردازیم و در نهایت با توجه به تفاوت مخاطبان برای هر کدام اقدام مناسب را بر اساس رهنمودهای قرآنی و روایی تدبیر کنیم.

### اهتمام قرآن به مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی

یکی از ابعاد مهم رسالت قرآن، تشکیل امت اسلام است. چگونه امت اسلام شکل گرفت و چه مسیری پیموده شد تا جمعی با عقاید و مناسک مشترک و اهداف و انگیزه‌های

۱. گرچه دیدگاه‌های عالمان شیعه در زمینه معیارهای نقد روایات از جمله قرآن عموماً به صورت روشمند و منقح تدوین نشده است، با این حال تعمق در نگرش و کاربرد معیار قرآنی از نگاه آنان به خوبی نشان می‌دهد که معیار نقد از نظر مخالفت حدیث با قرآن است. ر. ک: خوبی، ۱۴۱۰: ۵۰۵-۵۰۶؛ سبحانی، ۱۴۱۹: ۵۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۱۳۸-۱۳۷.

۲. ر. ک: کشی، ۱۴۰۹: ۲۲۴، ح ۴۰۱ و ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۳۱۰.

الهی، گرد هم آیند که علاوه بر پذیرش و تثبیت باورها و رفتارهای مشابه دینی، سربازان گسترش دین اسلام و تثبیت آن در سراسر عالم باشند و امت اسلامی را شکل دهند؟ شهید صدر به خوبی به این بعد از رسالت قرآن توجه کرده‌اند. به نظر وی رسالت قرآن، تشکیل امت اسلامی بود (صدر، ۱۴۲۱: ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۲ و ۲۴۴). شاگرد وی شهید سید محمدباقر حکیم با عبارت روشن تری از این هدف، یاد کرده است: ایجاد تغییر ریشه دار اجتماعی در جهان انسانیت از طریق راهنمایی بشر برای این تغییر و تشکیل پایگاه انقلابی که با این برنامه شکل گرفته و بر پایه این برنامه دگرگون شده است (حکیم، ۱۴۱۷: ۴۸). به نظر وی فرآیند خروج از ظلمات به سوی نور هدف اصلی نزول قرآن است (همان).

باید اذعان کرد که تشکیل جامعه مدل و نمونه اسلامی یکی از اهدافی است که عربی بودن، نزول تدریجی و حکمت پرداختن به بسیاری از مسائل و موضوعات جامعه عرب جاهلی در قرآن را توجیه می‌کند. هدف قرآن، ایجاد تغییر و تحول تدریجی در بستر زمان و متناسب با شرایط حاکم بر مخاطبان در انسان است. این هدف، ایجاب کرد تا خدای حکیم، محتویات قرآن را با سبک و ترکیبی ویژه در طول بیست‌وسه سال نازل فرماید و تأثیرات شگرف، گسترده، عمیق و پایداری را در حیات بشری به یادگار گذارد.

قرآن مجید، پیامبر<sup>(ص)</sup> را در ایجاد تغییر و تحول در جامعه نزول راهبری کرد. انتخاب مکه و اطراف آن به عنوان مرکز ظهور اسلام، حکایت از حکمت‌های گوناگون دارد که شاید یکی از مهم‌ترین آن‌ها، نشان دادن ظرفیت‌های ویژه این دین و کتاب آسمانی آن، در ایجاد تحول همه‌جانبه در مخاطبان و نشان دادن ظرفیت این کتاب به‌خصوص در بعد مهندسی فرهنگی باشد. فرهنگ مادری عرب و بهره بسیار اندکی که از مظاهر فرهنگ و تمدن در آن وجود داشت، عقاید سخیف و باورهای غلط، گمراهی و انحرافات فکری و رفتاری، روابط اجتماعی منحط و همراه با ظلم و تعدی و تجاوزی که میان آنان برپا بود، در مقایسه با تحول شگرف پس از ظهور اسلام، ظرفیت‌های تحول‌آفرین اسلام و قرآن را ظاهر ساخت: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِسَابَ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (سوره بقره، ۱۲۹). او خدایی است که در میان مردمی با فرهنگ مادری،

رسولی از میان خودشان برانگیخت که آیات او را بر مردم بخواند و آنان را تزکیه کند و تعلیم کتاب و حکمت نماید؛ هرچند قبل از این در گمراهی آشکار بودند».

عربی که پیش تر، ارزش سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نداشت و ابرقدرت‌هایی همچون امپراتوری ایران و روم و مصر آن را عددی به حساب نمی‌آوردند (لوبون، ۱۳۷۸: ۹۴ - ۹۳)، کارش به جایی رسید که تمدن‌های مزبور را تحت سلطه و نفوذ فرهنگی خود درآورد و آنان را با تمام سوابق فرهنگی و تمدنی خود در خدمت گسترش این پیام جدید قرار داد.

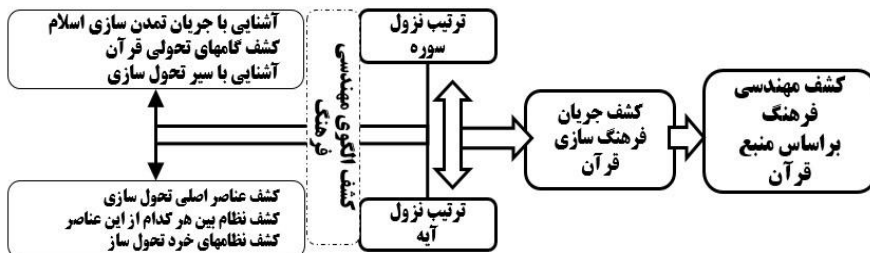
مرحله اول کشف الگوی دینی؛ تفسیر سوره‌ای و موضوعی ترتیب نزولی

مطالعه ترتیب نزول در جریان فرهنگ‌سازی باید در دو مرحله انجام شود: مطالعه بر اساس ترتیب نزول سوره‌ها و مطالعه بر اساس ترتیب نزول موضوعات. در مطالعه اول، تمام قرآن به مثابه یک کل جامع در جریان فرهنگ‌سازی بررسی می‌شود و با مطالعه مراحل تدریجی نزول قرآن، کیفیت‌های مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی جامع قرآن استخراج می‌شود، اما مطالعه دوم، اختصاص به عناصر فرهنگی دارد. در این مطالعه، بررسی می‌شود که این عنصر فرهنگی چه موقعی آمد و پیش از آن چه عناصری مطرح شد و آن عناصر چه نسبتی با این عنصر داشته‌اند. این عنصر چگونه عنصر ضد فرهنگی خود را کنار زد؟ چگونه ابهامات یا مقاومت‌هایی را که در برابرش شد، شکست؟ چگونه فرهنگ شد و با چه ابزاری تثبیت شد و پایش و رصد از آن به عمل آمد؟

مطالعه سوره‌ای، به بررسی جامع جریان کلی تحول در دوره پیامبر<sup>(ص)</sup> می‌پردازد؛ یعنی وقتی پیامبر<sup>(ص)</sup> وارد جامعه‌ای شد که هنوز مدنیت و تمدن نداشت و خدا خواست تا با اقدامات پیامبر و به مدد قرآن جامعه‌ای متمدن شکل دهد و آن‌ها را اساس تشکیل امت اسلامی قرار دهد (صدر، ۱۴۲۱: ۲۴۵ - ۲۳۷)، چه اقداماتی انجام داد؟ از کجا شروع کرد و به کجا ختم نمود؟ در مجموع چه عناصری را استخدام کرد و چگونه آن عناصر را در کنار هم نشاناند و از آن‌ها فرهنگ اسامی را تولید کرد؟ سپس با نمایه زدن و تهیه عناوین مرتبط با فرهنگ، این اقدامات را در چهارچوب اصطلاحات فرهنگ تعریف کرد.

ما برای اینکه با جریان این تمدن آشنا بشویم، چاره ای جز این نداریم که آن شرایط و فضا را بازسازی کنیم و خود را با استفاده از ابزار علمی، به واقعیت آن صحنه عظیم تحولی نزدیک کنیم و با کشف گام‌های تحولی قرآن، به کشف مدل تحول آن جامعه دست یابیم. مطالب پیش گفته، تنها بخش اول فهم سیر تحول‌سازی قرآن است و کار به اینجا ختم نمی‌شود؛ بلکه با این کار زمینه‌ای فراهم می‌شود تا عناصر اصلی تحول را دریابیم. عناصری که باعث تحول در جامعه مخاطب می‌شوند و آن را تبدیل به جامعه‌ای دینی می‌نمایند. بنابراین در مرحله دوم باید با تحلیل آیات و سوره‌های قرآن بر اساس تفسیر موضوعی تنزیلی، تک تک این عناصر را استخراج کرده، بر اساس فلسفه حاکم بر آن، نظام مهندسی‌اش را کشف نموده و به تعبیر جامع «شبکه موضوعات مرتبط به این موضوع» چیست؟

در مرحله بعد باید نظام بین هر کدام از عناصر فرهنگی را کشف کنیم و آنگاه بگوییم کل فرهنگ چگونه مهندسی می‌شود؟ بر این اساس، مرحله سوم در کار با قرآن خواهیم داشت که تألیف نظام‌های خرد، برای رسیدن به نظام کلان است. به عنوان مثال در موضوع امر به معروف و نهی از منکر بر اساس این روش، به این مسئله برسیم که چه موضوعاتی را باید با چه مخاطبی و در چه زمانی مطرح کرد تا به تدریج روح مسئولیت اجتماعی را زنده نمود و روح ولایت و پیوستگی بین مردم را برقرار کرد تا در یک نقطه، این رابطه پیوستگی سرانجام به جایی برسد که گفته شود: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...» (توبه/ ۷۱) و امر به معروف و نهی از منکر بخشی از هویت و فرهنگ دینی جامعه اسلامی شود.



شکل ۴- نمودار کشف مهندسی فرهنگ بر اساس منبع قرآن

## مرحله دوم کشف الگوی دینی: ساماندهی به محتویات سنت

سنت، منبع دومی است که در استخراج الگوی اسلامی مهندسی فرهنگ و تحول فرهنگی کمال اهمیت را دارد. مراد از سنت، گفتار، رفتار و تقریر و تأیید معصومان<sup>(ع)</sup> است. پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> در باب دعوت اسلامی و تربیت قرآنی مسلمانان شئون گوناگونی دارد: از جمله آن‌ها قرائت (اسراء/ ۴۵ و ۱۰۶ و قیامت/ ۱۸)، تلاوت (نمل/ ۹۲؛ بقره/ ۱۲۹ و ۱۵۱؛ آل عمران/ ۱۶۴؛ یونس/ ۱۶ و قصص/ ۶۹) و تعلیم قرآن به مردم (جمعه/ ۲)، تبیین و تفصیل مجملات قرآن (نحل/ ۴۵-۴۴)، ایجاد تحول روحی و معنوی در مردم (ابراهیم/ ۱) است. تا زمانی که حضرت در قید حیات بودند خود این شئون را درباره قرآن انجام می دادند و پس از آن قرآن و عترت را به مثابه دو گوهر گران‌مایه، میراث خود برای مسلمانان شمردند و مسئولیت‌های خود از جمله مسئولیت‌های قرآنی خود را به آن‌ها سپردند.

لذا برخی از احکام دین در زمان و از زبان ایشان بیان شد. در جای خود مبرهن است که این نوع تشریح، منافاتی با جامعیت قرآن کریم ندارد (بابایی، ۱۳۸۶: ۱۴۷). روایات معصومان<sup>(ع)</sup> در باب فهم قرآن به سه گروه تقسیم می شوند: ۱. گروهی از روایات درصدد بیان معنا و مفهوم آیه و مراد خدای متعال هستند. گاهی اصطلاح «روایات تفسیری» بر خصوص این دسته اطلاق می شود. ۲. روایاتی که موارد نزول آیات را بر مردم و محیط اجتماع خود، تطبیق داده‌اند. این دسته، روایات جَرِّی و تطبیقی است که توسط ایشان صورت پذیرفته است. در این دسته روایات ائمه اطهار<sup>(ع)</sup> واقع خارجی معاصر پیامبر<sup>(ص)</sup> را بر واقع خارجی زمان خود تطبیق فرموده اند. توجه شود که بر واقع خارجی زمان پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> و معاصران نزول قرآن «تنزیل» و به موارد نزول زمان پس از ایشان، «تطبیق» اطلاق می شود. ۳. روایاتی که نه ابهامی را از آیه برطرف می کنند و نه مصداقی را برای مفهوم آن بیان می کنند؛ بلکه درواقع ادامه وحی درباره موضوع آیه محسوب می شوند.<sup>۱</sup>

۱. ظهور روایت ذیل در همین نوع از هدایت است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو إِلَّاءَ فِيهَا عَالَمٌ كَيْمَا إِنَّ زَادَ الْمُؤْمِنُونَ شَيْئًا رَدَّاهُمْ وَإِنْ نَقَصُوا شَيْئًا أَتَمَّهُ لَهُمْ» (نعمانی: ۱۳۸، ح ۳).

به عنوان مثال آیه می گوید نماز بخوانید و روایت چگونگی و کیفیت نماز را بیان می کند. یا آیه می گوید در حالت خوف نماز را به قصر بخوانید و روایت می گوید این حکم در حالت سفر بدون خوف هم جاری است. این دسته از روایات را «روایات تبیینی» می نامیم که در واقع وحی ضمیمه شده به قرآن است که در اختیار رسول الله (ص) و اهل بیت مطهر ایشان<sup>(ع)</sup> قرار گرفته و در آیات ۱۹ سوره قیامت و ۴۴ نحل به آن اشاره شده است: در سوره قیامت (نزل ۳۱) می فرماید: «لَا تُحَرِّكُ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ (۱۶) إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ (۱۷) فَإِذَا قُرَأَتْهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ (۱۸) ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ (۱۹)».

بنابراین اگر می خواهیم مهندسی فرهنگی را بر اساس قرآن سامان بدهیم، در مرحله اول باید سراغ قرآن برویم و پس از کشف مهندسی در قرآن، سراغ سنت برویم و سنت را متناسب با آن سامان بدهیم. بر این اساس باید نسبت سنت با قرآن را به طور دقیق دریابیم و بفهمیم سنت در طول زمان، چه بخش هایی از جریان فرهنگ سازی قرآن را ترمیم و یا تکمیل کرده است. طبق این روش، سنت تکمیلی اهل بیت<sup>(ع)</sup> منافاتی با محوریت قرآن ندارد، بلکه در طول آن است.

با عنایت به اینکه در مرحله اول کشف الگوی مهندسی فرهنگی قرآن، به دنبال کشف فرایند تحول سازی قرآن در مردم معاصر نزول هستیم، روایات تفسیری (دسته اول) پژوهشگران را در شناخت دقیق و توضیحات تکمیلی مربوط به این مرحله کمک می دهد؛ زیرا این روایات هم مفاد آیات را توضیح می دهند و هم افراد و اشخاصی را که آیات برای داوری در رفتار آنها فرود آمده اند را روشن می کنند. روایات دسته دوم، به کار کیفیت جریان دادن آیات بر اشخاص و افراد معاصر اهل بیت<sup>(ع)</sup> می آیند. محققان بر پایه این اطلاعات، کیفیت جریان دادن قرآن را بر معاصران خود فرا می گیرند و روش و قواعد جری و تطبیق آیات را بر افراد و جوامع نوپدایی که در معاصر نزول قرآن نبوده اند، به دست می آورند؛ چون قرآن نیازهای هدایتی مردم را به دو گروه اجمالی و تفصیلی تقسیم کرده است و تفصیل مجملات خود را بر عهده معصوم گذاشته است؛ به عبارت روشن تر، روایات تبیینی رسول اکرم (ص)، استمرار ظرفیت فرهنگ سازی قرآن توسط ایشان در زمان

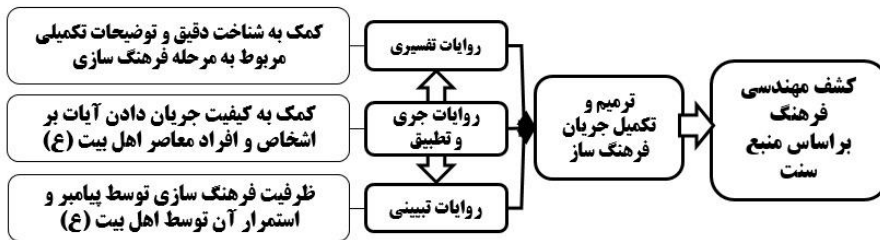
نزول قرآن و روایات تبیینی اهل بیت<sup>(ع)</sup> ایشان، استمرار و ادامه آن در زمان‌های بعد از رحلت رسول اکرم<sup>(ص)</sup> می‌باشد. هر دوی این روایات تبیینی، باید در جریان فرهنگ‌سازی مبتنی بر قرآن و وحی ملاحظه شوند.

بعد از گردآوری آیات موضوعی بر اساس ترتیب نزول، باید مجموعه روایاتی را که از معصومان<sup>(ع)</sup>، رسیده و نقش تبیین و تفصیل هر یک از آیات را دارند، ذیل آیات بیاوریم تا مهندسی فرهنگ و کیفیت مهندسی فرهنگی اسلام را ترسیم نماییم. مثلاً اگر درباره توحید تحقیق می‌کنیم، باید روایات مبین درباره هر کدام از انواع شرک یا توحید ربوبی یا شرک و توحید عبادی را ذیل آیات مرتبط جمع‌آوری نماییم.

نکته لازم آنکه در سامان دادن روایات، باید به ترتیب زمانی آن‌ها نیز توجه داشت و حتی‌المقدور زمان صدور و شرایط صدور آن‌ها را مراعات کرد. روایات هر یک از معصومان را باید به ترتیب زمان رسالت پیامبر<sup>(ص)</sup> و امامت ائمه<sup>(ع)</sup> بررسی کرد و به اختلافی که ممکن است از این جهت در روایات بروز کرده باشد، توجه نمود.

به‌طور مثال، بیان و آشکارسازی نجاست خمر در کلمات وارده از اهل بیت<sup>(ع)</sup> تا دوره امام صادق<sup>(ع)</sup> مطرح نشده است و از خود امام صادق<sup>(ع)</sup> هم دو نوع روایت نقل شده که بخشی از آن‌ها دال بر عدم نجاست و صحت نماز با لباس آغشته به خمر (حر عاملی، ۱۴۰۹: باب ۳۸، احادیث ۱۴ - ۱۰) و برخی بر نجاست و عدم صحت آن (همان، احادیث ۱، ۳، ۵ و ۷) است و پس از ایشان هیچ امامی عدم نجاست آن را مطرح نکرده است و هرگاه از ائمه بعدی در این باره سؤال شده فرموده‌اند به روایات دال بر نجاست عمل شود (همان، احادیث ۲ و ۴)؛ لذا هرچند برخی در فقه مسئله، میان روایات تعارض دیده‌اند و درصدد حل آن از طریق کنار گذاشتن روایات دسته اول شده‌اند، اما با نگاه تاریخی به این مسئله، معلوم می‌شود حکم نجاست خمر تا زمان امام صادق<sup>(ع)</sup> آشکار نشده بود و از دوره امام صادق<sup>(ع)</sup> حکم نجاست بیان شده است، لذا از این زمان باید بی‌تردید، مطابق حکم نجاست عمل شود. این ملاحظه می‌تواند برخی از گره‌های فقه و علت تعارض ظاهری برخی روایات را که بر تقیه و مجاز و... حمل می‌شود، حل کند.

نکته قابل بررسی آنکه آیا اگر جامعه هدف در شرایطی بود که تحمل هر دو حکم (مثل حرمت آشامیدن و نجاست مشروبات الکلی) را داشت، هر دو حکم به جامعه و مردم ابلاغ شود یا آنکه مطابق سیر صدور آن‌ها ابتدا حکم اول و سپس حکم دوم در مهندسی مورد توجه قرار گیرد؟ یعنی موافق سیر آشکارسازی احکام عمل کرد و در مورد مثال، ابتدا حرمت شرب مشروبات الکلی را بگوییم و بعد از جامعه پذیری و فرهنگ شدن آن، به فرهنگ‌سازی نسبت به تبلیغ نجاست آن هم اقدام نماییم؟



شکل ۵ - نمودار کشف مهندسی فرهنگ بر اساس منبع سنت

مرحله سوم کشف الگوی دینی: تعمیم جامعه هدف از راه انطباق مردم بر آیات در تعریف قاعده «جری و تطبیق» گفته می‌شود، آیاتی که درباره افراد و اقوامی نازل شده است، به دلیل تشابه و اشتراک افراد و اقوام دیگر در ملاک موجود در آیه، بر آن‌ها تطبیق می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۶۷). نکته مهم این است که به‌طور مثال، اگر در مهندسی فرهنگ یا مهندسی فرهنگی مردم ایران، جری و تطبیق جامع انجام دهیم، یعنی کل قرآن را از رابطه‌ای که با مردم معاصر نزول داشته، منفک کرده و بر کل جامعه جدید (به‌طور مثال ایران) تطبیق نماییم. بنابراین از تطبیق بر گروه یا فرد خاص فراتر رفته‌ایم. زبان قرآن، زبان فطرت است و با آفرینش ویژه انسان، فارغ از زمان و مکان و جنسیت آن‌ها ارتباط دارد. در این مرحله، کل قرآن را که ناظر به آن جامعه بود، به کل جامعه و مردمی که هدف مدیران و کارشناسان مهندسی هستند، تطبیق می‌کنیم و به عبارتی «کل واقع خارجی امروزی» را به جای «کل واقع خارجی معاصر نزول» می‌گذاریم. این کار شبیه این است که بخواهیم یک ابزار را جایگزین ابزار دیگری کنیم.



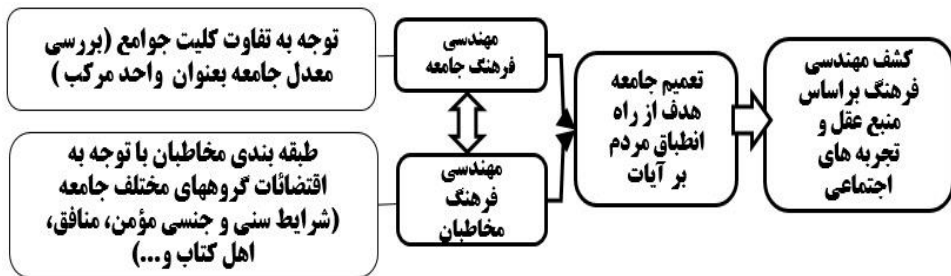
اگر این دو ابزار، با دقت کافی استانداردسازی نشده باشند، نمی توان جایگزینی مذکور را به درستی انجام داد و هر لحظه امکان خطا در اتصال و حتی ناکارآمدی ابزار یا تخریب محل اتصال وجود دارد. در روایات، بر این مطلب تأکید شده که قرآن درباره تمام امت‌ها تا روز قیامت جاری است (مجلسی، ۱۴۰۳، باب ۱:۱)، بنابراین باید خود را به قرآن عرضه کنیم و ببینیم اگر قرآن می خواست امروز با شما سخن بگوید، چه می گفت؟ اما جری و تطبیق هر دوره و هر فردی، اقتضائات خاص خود را دارد؛ بنابراین لازم است در این مرحله، دقیقاً مشخص شود بر اساس داشته‌های دینی با محوریت قرآن که در مراحل اول و دوم گردآوری و جمع بندی می شود باید چگونه اقداماتی در مواجهه با مجموع جامعه ایرانی امروزی انجام دهیم؟ مثلاً در باب حجاب در ایران، باید از کجا شروع کرد؟ آیا با جامعه‌ای مواجهیم که نسبت به این آموزه بیگانه است و باید از آشنا کردن جامعه با مفهوم و حدود حجاب آغاز نمود؟ یا آنکه جامعه ایرانی در مرحله پایش فرهنگی است؛ یعنی حجاب را پذیرفته‌اند، اما در اثر عواملی به تدریج از این وظیفه دینی فاصله گرفته است و در حال برگشت و عقب گرد از پوشش اسلامی قرار دارد؛ در نتیجه بر مدیران فرهنگی فرض است تا تنها نسبت به مسئله پوشش اسلام آسیب شناسی کنند و موانع پیش روی بقا و رشد و توسعه فرهنگ حجاب را برطرف کنیم؟

در مرحله سوم مهندسی فرهنگ یا مهندسی فرهنگی لازم است تا کارشناسان و صاحب نظران گوناگون و مرتبط با حوزه‌های جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی به کمک طلبیده شوند. کار این علوم تشخیص مصداق است؛ آن‌ها با شناختی که از واقع جامعه دارند و متکی بر دانش و تحقیقات میدانی، توضیح خواهند داد که جامعه و مردم هدف، اکنون در چه مقطعی از تحول فرهنگی مطلوب هستند. یا در باب هر یک از عناصر فرهنگی در چه جایگاهی قرار دارند؟ کدام مؤلفه‌ها را دارند و کدام را ندارند؟ برای رسیدن به این هدف، باید سؤالاتی (به صورت مشترک توسط متخصص قرآنی و دانش‌های مربوطه) تنظیم شده، پاسخ آن‌ها از مطالعه ساختارها و مردم هدف به دست آید تا بر اساس خروجی آن به قضاوتی درباره کلیت جامعه مخاطب برسیم. نتیجه این قضاوت آن است که در هر

جامعه‌ای درمی‌یابیم کدام موضوعات تبدیل به فرهنگ شده و نیازی به طرح تفصیلی آن‌ها نیست و تنها به پایش و رصد و مراقبت نیاز دارد؟ کدام عنصر فرهنگی مفقود است؟ موارد نیاز جامعه نسبت به هر یک از عناصر فرهنگی به چه میزان است؟ کدام عناصر و تحت تأثیر چه عواملی متغیر شده‌اند؟ وقتی به نظام مشخصی برای ایجاد یک عنصر فرهنگی برسیم، مرحله سوم نشان می‌دهد نقطه عزیمت کجاست. از کدام مطلب باید با اشاره یا بدون آن عبور کرد و کجا را باید توضیح داد؟

از توضیحات مذکور معلوم شد در مرحله سوم نسخه‌ای تجویز می‌شود که متناسب با فضای عمومی جامعه و برآیند همه گروه‌های جامعه باشد و ظرفیت‌های کل گروه‌ها و افراد درون یک جامعه در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا در مهندسی فرهنگ جامعه همان‌گونه که از نامش برمی‌آید اشخاص موضوع مطالعه نیستند، بلکه جامعه و مردم با هویت جمعی مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

از آنجا که بدون این تطبیق، ممکن است هزینه و امکانات فرهنگی و تبلیغی کشور در غیر محل خود صرف شود، نمی‌توان از نتایج به‌دست‌آمده از این طریق چشم‌پوشی نمود. به‌عنوان مثال ممکن است مجریان فرهنگی یک حکومت دینی، برای مقابله با مشکل بدوشی در حوزه تنظیم روابط جنسی هزینه کنند، درحالی‌که اساساً مسئله جامعه مخاطبش، چنین امری نیست و مثلاً تذکر درباره پوشش، برای اصلاح وضعیت ناهنجار کافی باشد (بهجت‌پور، ۱۳۹۳).



شکل ۶- نمودار کشف مهندسی فرهنگ بر اساس منبع عقل و تجربه‌های اجتماعی

### مرحله چهارم کشف الگوی دینی: طبقه بندی مخاطبان

با وجود معدل گیری از جامعه بالاخره با گروه هایی مواجه می شویم که از این معدل پایین ترند؛ همان طور که گروه ها، اقشار و دسته های اجتماعی دیگری بالاتر از حد میانگین جامعه هستند؛ آحاد و گروه های موجود در یک جامعه، لزوماً هماهنگ و همسان رشد نمی کنند و ممکن است فرد یا گروهی در اثر تربیت و حیانی زودتر از دیگران رنگ الهی بگیرد و عده ای دیگر به کفر خود ادامه دهند و هدایت نیابند. بنابراین علاوه بر برنامه ریزی برای کلیت جامعه و پیشبرد آن به سوی اهداف دینی، باید برای این گروه ها برنامه های فرهنگی خاصی داشته باشیم که رشد گروه های پیش رو متوقف نشود و دسته اول به حد متعادل جامعه برسند. از همین رو است یکی از اصول حاکم بر جریان تربیت گروه های مختلف جامعه در قرآن عبارت است از: «تذکر»؛ یعنی درعین حالی که گام های رشد بیشتر جامعه، پی درپی و به صورت مهندسی شده برداشته می شود، برخی از این گام ها را به طور مکرر مطرح می نماید (همان).

قرآن با ویژگی جامعیت، هم برای مربی برنامه دارد و هم برای متربی؛ مربی باید به طور کامل و نظام مند بداند چه حوادثی بین پیامبر خدا<sup>(ص)</sup> و دشمنان او گذشته تا بتواند در موارد مشابهی که مواجه می شود بر اساس الگوی قرآنی تصمیم و عمل درست را از خود بروز دهد؛ اما مسئله این است که آیا همه این مطالب را باید به همه متربیان نیز (در هر سن و با هر سنخی) گفت؟ این گروه ها نیازمندی محدودتری دارند و با محتوای محدود و روش مشخصی می توان ایشان را به پاسخ نیازمندی هایشان از قرآن رساند. ما باید پله های انتقال این مفاهیم را بر اساس روش قرآن - که روشی آسان است<sup>۱</sup> - استخراج کنیم و بگوییم برای هر مخاطبی، چه مطالبی را تا چه اندازه و با چه روشی باید گفت؟ چه مراحل را باید با سرعت زیادی طی کرد؟ به چه مسائلی نباید

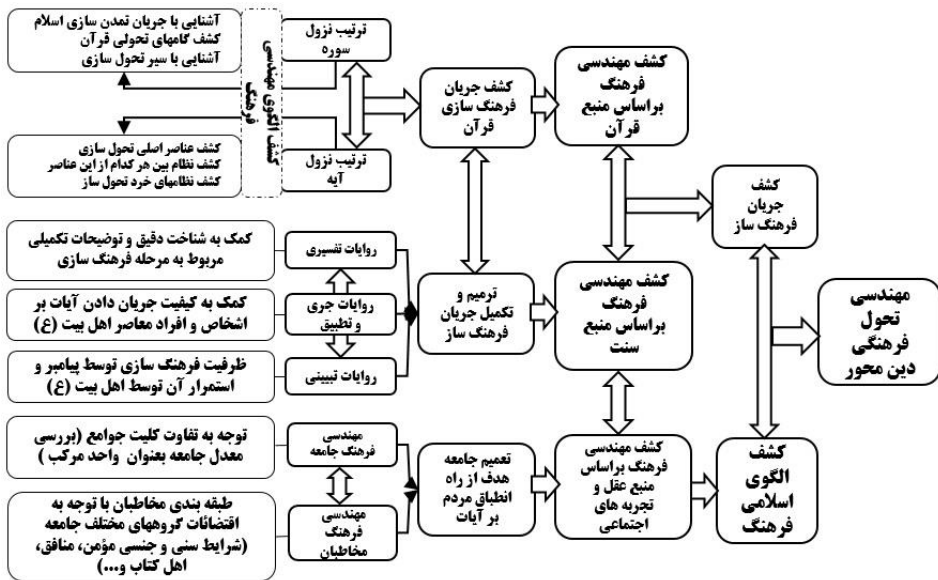
---

۱. با توجه به آیاتی مانند بقره/۱۸۵، مائده/۶، حج/۷۸، کهف/۱ و لیل/۷ درمی یابیم که روش هدایتی قرآن پیچیده نیست؛ بنابراین اگر دین به درستی مطالعه شود، معلوم می گردد که انتقال معارف راه ساده ای دارد و پیچیده و سخت گو و لغز و معماگونه نیست.

پرداخت، مگر اینکه خودش بطلبد؟ و ... در این مرحله باید از کسانی که حوزه فعالیتشان مربوط به مخاطبان خاص و علوم ارتباطات است، مشاوره گرفت تا در نحوه انتقال عناصر فرهنگی به مخاطبان اظهار نظر کنند.

بنابر آنچه در مراحل چهارگانه آمد می‌توان چنین گفت: بهترین الگو برای مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی مردم ایران، الگویی برگرفته از منابع دینی است؛ زیرا منابع دینی اسلام پاسخی به نیازهای فطری بشر دارند و هماهنگ با آن‌ها هستند. نکته مهم آنکه باید در هنگام استخراج الگو، قرآن را اصل و سنت را به دنبال آن قرار داد. مطالعات درون قرآنی نیز باید با نگاه به نزول تدریجی قرآن باشد و برای کشف فرایندهای تحول باید سراغ ترتیب نزول سوره‌ها رفت. در رابطه با قرآن دو مطالعه به ترتیب نزول سوره‌ای و به ترتیب نزول موضوعی ضرورت دارد: اول به کار استخراج تمام جریانات مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی و دوم به کار شناخت فرآیند تغییر و تحول در عناصر فرهنگی می‌آید. سنت اسلامی را باید با توجه به اولویت سنت پیامبر<sup>(ص)</sup> و سپس سنت ائمه اطهار<sup>(ع)</sup> سامان داد و در این مسیر هر یک از ائمه را به ترتیب امامتشان مقدم کرد (همان).

عناصر مطلوب در استخراج الگوی مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی عبارت‌اند از: شناخت روشن ابعاد مهندسی قرآن و آشنایی ابعاد و اجزای لازم مهندسی، کشف روش «جری و تطبیق» و انطباق الگوی قرآنی بر جوامع معاصر هر یک از معصومان<sup>(ع)</sup>. پس از این مرحله، نوبت به تطبیق الگو بر ایران می‌رسد. در این مرحله باید دو گام عمده را با مدد دانشمندان علوم اجتماعی و انسانی برداشت: تعمیم و انطباق دقیق الگوی مستخرجه از منابع دینی بر مردم ایران، به گونه‌ای که بتوان قرآن را از جامعه معاصران نزول منتزع و بر جامعه ایرانی مورد مطالعه تطبیق داد. در مرحله دوم باید به تناسب تفاوت‌های اختیاری و طبیعی، مطالب الگو را برای جامعه هدف بسته‌بندی و آماده کرد (همان).



شکل ۷ - نمودار مهندسی تحول فرهنگی دین محور

## نتیجه گیری و پیشنهادها

سؤال بزرگی پیش روی مربیان، مدیران و مسئولین نظام اسلامی قرار دارد؛ چگونه دین و فرهنگ و نیز ارزش های فرهنگی، رفتار فرهنگی و اسلامی مان را در جامعه تشبیت و ماندگار کنیم و با پیش ها و مراقبت های مناسب، جلوی به حاشیه رانده شدن و حذف شدن احتمالی آن ها را بگیریم؟ برای دستیابی به روش قابل اعتماد تغییر و تحول، روشی مستخرج از منبع یا منابع مورد پذیرش مهندسان فرهنگی جامعه هدف تحول فرهنگی، ضروری می نماید، لذا نویسنده برای جامعه مسلمان و پیرو مکتب اهل بیت<sup>(ع)</sup> ایران عزیز، الگوی وحیانی مهندسی تحولات فرهنگی را بر اساس آموزه های دین پیشنهاد می کند.

مهندسی تحول فرهنگی بر اساس تفسیر قرآن کریم به ترتیب نزول آیات و سوره و با بهره گیری از سایر منابع دین؛ سنت و عقل، جامعه پذیری فرهنگ اسلامی را تسریع بخشیده و مستلزم اتخاذ رویکرد مدیریت راهبردی درباره تحول فرهنگی در جامعه می شود و این مهم نیز منجر به ارائه الگوی جامعه دین محور می شود. از طرف دیگر رکن اصلی امنیت

ملی ج.ا.ا، امنیت فرهنگی است که با محوریت جامعه دینی، موجب تقویت و قدرت یافتن امنیت فرهنگی شده و موجبات استحکام ساخت درونی قدرت ج.ا.ا را فراهم می‌کند و بدین‌گونه اقتدار ملی و دفاع همه‌جانبه ج.ا.ا در جهان متبلور می‌گردد.

ازجمله پیشنهادهای علمی این تحقیق علاوه بر ارائه نقشه راه جدید اقتدار ملی بر اساس تعالیم دینی؛ ارائه گرایش جدیدی از تفسیر در حوزه علوم حوزوی و قرآنی، با عنوان گرایش تفسیر راهبردی می‌باشد که یک ایده نو و مدل بومی‌سازی‌شده از ارائه الگوهای راهبردی -مدیریتی کلان در عرصه علوم حوزوی را به دست می‌دهد. گرایشی که تبلور تعالیم قرآن و اسلام را در سطح مدیریت کلان حاکمیتی به رخ کشیده و به مشروعیت نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران غنای بیشتری بخشیده و در الگو قرار گرفتن این نظام، حداقل در سطح کشورهای اسلامی کمک به‌سزایی خواهد نمود. از طرف دیگر، اصول و مبانی مکتب امنیتی تهران (وقوع انقلاب اسلامی ایران بر اساس مبانی دینی و ایدئولوژیکی خود، مدل جدید حاکمیت و اداره جامعه بر اساس آموزه‌های دینی را به جهان ارائه داد) را در برابر سایر مکاتب امنیتی دنیا (ازجمله مکتب امنیتی کپنهاک) که مدل جدایی دین از حاکمیت و سیاست را ترویج می‌دهند، تقویت و اصلاح می‌نماید. اصول و مبانی مکتب امنیتی تهران بر پایه معارف عالی دینی و با محوریت وحی تنها ویژگی منحصربه‌فرد مکتب امنیتی تهران در مقابل سایر مکاتب مادی شرق و غرب می‌باشد و در صورت تبیین صحیح در مجامع بین‌المللی و با فعالیت قوی دیپلماسی فرهنگی، به‌عنوان یک مکتب جدید امنیتی؛ به ایجاد جهانی امن و به دور از جنگ و خشونت در دنیا کمک می‌نماید.

در پایان به الگوی محقق‌ساخته در خصوص الگوی راهبردی دستیابی به جامعه قرآن‌محور بر اساس مهندسی رابطه تحولات فرهنگی با امنیت ملی و مبتنی بر آموزه‌های وحیانی قرآن، سنت و سیره پیامبر و امامان معصوم<sup>(ع)</sup> و منابع عقلی و تجربه‌های اجتماعی ترسیم و به ابعاد تولید، تقویت و گسترش امنیت فرهنگی و استحکام ساخت درونی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران که منجر به اقتدار ملی می‌شود، در شکل ۸ اشاره شده است.



## فهرست منابع و مآخذ

- قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
- فرمایشات و رهنمودهای حضرت امام خمینی (ره).
- حضرت امام خمینی (ره)، (۱۳۶۱)، صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- فرمایشات و رهنمودهای مقام معظم رهبری (مدظله العالی).
- اخوان کاظمی، بهرام، (۱۳۷۸)، راهبردهای اعتلای تمدن و فرهنگ اسلامی و تضمین امنیت فرهنگی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳.
- اخوان کاظمی، بهرام، (۱۳۸۵)، امنیت در نظام سیاسی اسلام، تهران، کانون اندیشه جوان.
- اصغری زاده، عزت الله؛ قاسمی، احمدرضا، (۱۳۸۸)، فرصت‌ها و چالش‌های فراروی مهندسی فرهنگی، ماهنامه مهندسی فرهنگی، شماره ۲۹-۳۰.
- افتخاری، اصغر، (۱۳۷۹)، رویکرد دینی در تهاجم فرهنگی؛ مجموعه سخنرانی‌های فرهنگ و امنیت ملی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ج ۲.
- افتخاری، اصغر؛ شریعت‌مدار جزایری، سید نورالدین؛ لکزایی، نجف، (۱۳۸۵)، امنیت در اسلام، دوفصلنامه علوم سیاسی، شماره ۳۴.
- آشنا، حسام‌الدین؛ صادق اسماعیلی، محمد، (۱۳۸۸)، امنیت فرهنگی مفهومی فراسوی امنیت ملی و امنیت انسانی، راهبرد فرهنگ، شماره ۵.
- بابایی، علی‌اکبر، (۱۳۸۶)، مکاتب تفسیری، جلد دوم، چاپ اول، قم و تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و انتشارات سمت.
- بهجت‌پور، عبدالکریم، (۱۳۸۸)، درآمدی بر اصول تحول فرهنگی، چاپ اول، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
- بهجت‌پور، عبدالکریم، (۱۳۹۰)، همگام با وحی؛ تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول)، ویراست دوم، چاپ اول، قم، التمهید.
- بهجت‌پور، عبدالکریم، (۱۳۹۳)، روش کشف الگوی اسلامی مهندسی فرهنگی، راهبرد فرهنگ، شماره بیست و هفتم.
- تقی‌لو، فرامرز؛ آدمی، علی، (۱۳۸۹)، امنیت و پیش‌ارزش‌های آن در اندیشه سیاسی اسلام، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵۰.
- توحیدی، ارسطو، (۱۳۹۳)، تقریرات درسی مبانی دفاع ملی، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی،



دوره ۱۴ امنیت ملی.

- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۰)، تفسیر تسنیم، قم، اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، محقق و مصحح مؤسسه آل البیت، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البیت.
- حکیم، سید محمدباقر، (۱۴۱۷)، علوم القرآن، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چاپ سوم.
- خادم دقیق، امیر هوشنگ، (۱۳۹۴)، انقلاب فناوری و تغییرات اجتماعی حاصله و تأثیر آن بر امنیت ملی، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی، دانشکده امنیت ملی.
- خندق آبادی، علی، (۱۳۹۳)، الگوی اقتدار فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بر اساس دیدگاه‌های امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) با تأکید بر نقش رسانه ملی، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- دری نجف آبادی، قربان علی، (۱۳۷۹)، نگاهی به امنیت از منظر امیر مؤمنان (ع)، حکومت اسلامی، شماره ۱۸.
- دری نجف آبادی، قربان علی، (۱۳۷۹)، نگاهی به امنیت از منظر امیر مؤمنان (ع)، فصلنامه حکومت اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۸.
- رحمانی، جعفر، (۱۳۹۰)، ضرورت اعمال مدیریت راهبردی در حوزه‌های علمیه در عصر جهانی شدن، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن، پیش شماره دوم.
- سبحانی، جعفر، (۱۴۱۹)، الحدیث النبوی بین الروایه و الدرايه، قم، مؤسسه امام صادق (ع).
- سلیمانی، فاطمه، (۱۳۹۲)، نسبت مصلحت و امنیت در فقه سیاسی شیعه در امنیت در اسلام، مبانی نظری و تحولات تاریخی، به اهتمام داوود غرایق زندی، تهران، مرکز مطالعات راهبردی.
- شفیعی، جمال، (۱۳۹۴)، تقریرات درسی تحولات فرهنگی و امنیت ملی، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- صالحی امیری، سید رضا؛ عظیمی دولت آبادی، امیر (۱۳۸۷)، مبانی سیاست گذاری و برنامه ریزی فرهنگی، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- صدر، سید محمدباقر، (۱۴۲۱)، المدرسه القرآنیه، قم، مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر.
- طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن الکریم، چاپ ۵، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طلایی، مرتضی؛ بدری شاه‌طلبی؛ رشیدپور، علی و شریفی، سعید، (۱۳۹۱)، امنیت فرهنگی،

دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.

- عیوضی، محمدرحیم، (۱۳۸۵)، جهانی شدن فرهنگ برای جهان سوم، تهدیدها و فرصت‌ها، فصلنامه راهبرد یاس، شماره ۶.
- عیوضی، محمدرحیم، (۱۳۹۴)، تحولات فرهنگی و امنیت ملی، تهران، بی‌نا.
- غریبایق زندی، داود، (۱۳۸۹)، معنا و مفهوم امنیت ایمانی در قرآن کریم، مطالعات راهبردی، شماره ۵۰.
- لوبون، گوستاو، (۱۳۷۸)، تمدن اسلام و عرب، ترجمه سید محمدتقی فخر داعی گیلانی، چاپ اول، تهران، دنیای کتاب.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳)، بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار الأئمه الأطهار، چاپ دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- محرمی، توحید، (۱۳۹۷)، آینده امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی و تحقق تمدن نوین ایرانی اسلامی، دو فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۱، شماره ۱.
- مردن، سیمون، (۱۳۷۹)، تقابل فرهنگی در روابط بین‌الملل اسلام و غرب، ترجمه احمد علیخانی، تهران، انتشارات آریز.
- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۷۶)، قرآن‌شناسی، گردآورنده محمود رجبی، چاپ اول، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- معرفت، محمدهادی، (۱۳۸۷)، علوم قرآنی، چاپ اول، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
- معرفت، محمدهادی، (۱۴۱۸ ه.ق)، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، چاپ اول، بی‌جا، نشر الجامعه الرضويه للعلوم الاسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۰)، اجود التقريرات، مقرر: محمدحسین نائینی، چاپ دوم، قم، مؤسسه مطبوعاتی دینی.
- مویدنیایا، فریبا، (۱۳۸۵)، مدیریت و رهبری تحول، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۶۷.
- ناظمی اردکانی، مهدی، (۱۳۸۸)، ویژگی‌های نظام مدیریت دولتی در کشورهای در حال توسعه و ضرورت مهندسی فرهنگی آن‌ها، نامه پژوهش، شماره ۵.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۹۷)، الغیبه، تصحیح و تحقیق علی‌اکبر غفاری، چاپ اول، تهران، نشر صدوق.
- وطن‌دوست، رضا، (۱۳۸۶)، نگاهی به امنیت در آموزه‌های اسلامی، الهیات و حقوق، شماره ۲۵.

- وطن دوست، رضا، (۱۳۸۶)، *نگاهی به امنیت در آموزه های اسلامی*، مجله تخصصی الهیات و حقوق، شماره ۲۵.
- هلالی، سلیم بن قیس، (۱۴۰۵ ق)، *کتاب سلیم بن قیس الهلالی*، مصحح: انصاری زنجانی خوئینی، محمد، چاپ اول، قم، انتشارات الهادی (ع).

